

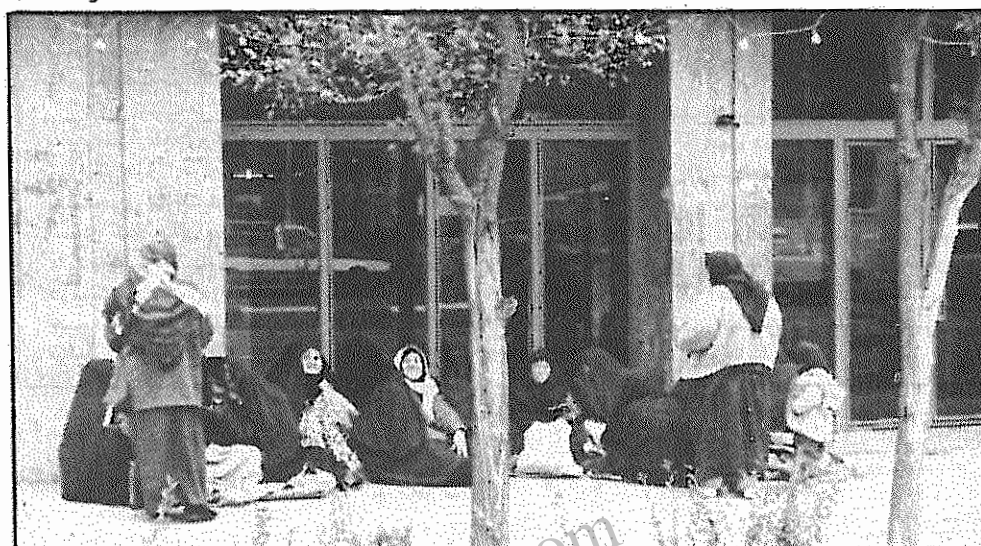
کریستوفر در پی ملاقات
کلینتون با سلمان رشدی:
رژیم ایران
قانون شکن و یاغی است

در پی ملاقات کلینتون رئیس
جمهور ایالات متحده با سلمان
رشدی نویسنده کتاب "آیات
شیطانی"، وارن کریستوفر
وزیر خارجه آمریکا به شدت به
حکومت جمهوری اسلامی حمله
کرد و بار دیگر آنرا یاغی و قانون شکن
خواند. کریستوفر که هفته گذشته
برای مذاکره با وزرای خارجه اتحاد
اروپا در زمینه تعرفه و تجارت، در
بروکسل برمی‌پرد، گفت: ایالات
متحده آمریکا همچنان معتقد است
رژیم ایران قانون شکن و یاغی است،
با روند صلح خاورمیانه مخالفت
می‌کند و در عملیات تروریستی در
سراسر جهان دست دارد. وی گفت
من معتقدم باید تدابیری جدی علیه
ایران بکار گرفته شود. که یک مورد
آن جلوگیری از صدور کالاها بی‌به
ایران است که ممکن است کاربرد
نظامی داشته باشد. کریستوفر در این
اظهاری نظر از هماهنگی‌ای که میان
آمریکا و اروپا درباره منع صدور
کالاها چند منظوره بوجود آمده
ابراز خرسندی کرد.

در ادامه سخنان کریستوفر،
ادامه در صفحه ۲

اقدامات دولت برای مقابله با
بحران فزاینده اقتصادی در کشور

- اجلاس ۴ آذر ماه اوپک، بدون موفقیتی در جهت کاهش تولید نفت پایان یافت
- الویری معاون رئیس جمهور به شکست سیاست "مناطق تجاری آزاد" اعتراف کرد



در صاف دریافت ارز از بانکها. از خود پولی ندارند، اجیر شده دلالان بزرگ حرفه ای ارز هستند. گروهی از سرمایه داران بیش از ۳۴۰۰ میلیارد دلار برای خرید و فروش ارز سرمایه گذاری کرده اند. آنها ارز را از طریق این اجیر شدگان وارد بازار سیاه می‌کنند و سودهای کلان می‌برند.

شاکیان در دادگاه می‌کونوس:
مسبب جنایت جمهوری اسلامی است

● حسن جعفری، یکی از شهود: در کشوری که ماموران امنیتی آن ماموران امنیتی جمهوری اسلامی را آموزش می‌دهند به چه کسی در مورد هدایت تروریستها به محل جلسه می‌توان مشکوک بود؟

● خانم شهره بدیعی همسر شهید نوری دهکردی: گمان نبرید هموطنان من از این ترورهای ترسند و میدان را خالی می‌کنند.

و خواست د کتر شرفکندی و ابتکار و سازماندهی نوری دهکردی صورت گرفت. خانم نوری دهکردی در جلسه دادگاه اعلام کرد که فردی بنام نجاتی از مامورین فعال رژیم پس از ترور همسرش دو بار به او تلفن کرده است. وی خطاب به متهمین خاطر نشان کرد: شما ممکن است من و دخترم را هم از بین ببرید، اما گمان نبرید که هموطنان من خواهند رسید و میدان را خالی خواهند کرد.

در جلسه دادگاه دوازدهم دادگاه بتاريخ سوم دسامبر، رفیق حسن جعفری بعنوان یکی از شهود غیر مستقیم به ادای توضیحات پرداخت. رفیق جعفری عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در مورد سازماندهان ترور برلین گفت: من نمی‌توانم بگویم چه کسانی، اما می‌توانم بگویم چه می‌کونوس گفت: این جلسه به تمایل

مجلس "اخذ شهریه" از سوی دولت را
تصویب نکرد

● لایحه اخذ شهریه به بهانه کسر بودجه ۳۲ میلیارد تومانی آموزش و پرورش به مجلس داده شد

از روز چهارشنبه ۲۶ آبان ماه تا چهارشنبه ۳ آذر ماه مجلس شورای اسلامی بررسی و تصویب لایحه تشکیل شوراهای آموزش و پرورش را در دستور قرار داد. لایحه ای که به زعم نجفی وزیر آموزش و پرورش رژیم "مهمترین قانون در تاریخ یکصد ساله آموزش و پرورش و شاه بیت آن اخذ شهریه از دانش آموزان بود. در چند بند از مواد این لایحه به صراحت با بطور تلویحی بر اخذ شهریه تاکید شده بود. موضوع

زیر فشار محافل کارگری
دولت از تغییر در قانون کار چشم پوشید

انتشار لایحه پیشنهادی برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که متن آن توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه شده و در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت موجب انگرانی در محافل کارگری ایران پدید آورد. در تبصره ۱۴۸ این لایحه که مشتمل بر یک ماده واحد و ۵۳ تبصره می‌باشد، آمده است "دولت موظف است طرف مدت چهار ماه از تاریخ تصویب این قانون لوایح اصلاحیه قوانین کار، تامین اجتماعی و تشکیل شورای اسلامی کار" را تهیه کند. تغییر در قوانین ذکر شده در راستای سیاست تعدیل اقتصادی و به قصد فراهم آوردن امکانات بیشتر برای بخش خصوصی و به خصوص

شکست سیاست تعدیل

درگیر بود و بحران ریشه داری که سالهاست اقتصاد کشور در آن دست و پا می‌زند، بتازگی بحران مالی بیسابقه ای نیز گریبان حکومت را گرفته است. این بحران مالی که ناشی از کاهش چشمگیر درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت است، اکنون نفت ایران بشکله ای ۱۳ دلار و حتی زیر این میزان بفروش می‌رسد و درآمدهای حاصل از فروش نفت برای امسال چیزی بیش از ۱۲ یا ۱۳ میلیارد دلار نخواهد بود. این رقم ۵ تا ۵ میلیارد دلار کمتر از میزان پیش بینی شده برای بودجه سال جاری است. تنگنای مالی درست هنگامی گریبان حکومت را گرفته که در اثر ریخت و پاشیهای ارزی و واردات بی‌رویه سه چهار سال اخیر که در سال ۷۰ سر به ۳۰ میلیارد دلار ریز زده تنها ذخایر ارزی کشور مصرف شده، بلکه بنا به اعتراف دست اندرکاران خود رژیم ۳۰ میلیارد دلار نیز بدهی خارجی بار آمده است. تنها بابت بهره این بدهیها دولت تاگزیر به پرداخت ۶ میلیارد دلار راست. این وضع دوسه ماهی است که فضای کشور را بطور جدی تحت تاثیر قرار داده و دلیل عمده بسیاری از اقدامات و تصمیمات سیاست گذاران در هیات حاکمه جمهوری اسلامی است.

موضوع کاهش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت از یکسکال پیش محسوس بود، لیکن دولت امیدوار بود هم از طریق افزایش تولید و فروش نفت و هم از طریق کوششهای بی‌دراوپک برای بالا بردن بهای نفت در بازارهای جهانی، این کاهش درآمد را جبران کند. اما اکنون حکومت امید خود را در این زمینه از دست داده است. اوپک نه تنها قادر به کاهش سطح تولید خود نیست، بلکه مدام از طرف اکثر اعضای خود برای افزایش سهمیه زیر فشار است. از طرف دیگر این احتمال جدی است که عراق نیز تولید نفت خود را از سر گیرد، که در آنصورت بازار جهانی نفت آشفته تر از آن خواهد شد که در حال حاضر با آن روبروست. ارزیابی برخی کارشناسان این است که بهای نفت در بازارهای جهانی از میزان فعلی نیز پائین تر خواهد رفت.

اکنون دیگر کاملاً آشکار شده است که حکومت با قطع امید خود نسبت به بالا بردن درآمدهای ارزی، سیاست تازه سخت کردن کمربندها را در پیش گرفته است. این سیاست تازه در بسیاری از جنبه های اساسی در خلاف جهت آن سیاستهایی است که تا بحال دولت رفسنجانی تحت عنوان "تعدیل" پیش می‌برد. یک جنبه این سیاست تازه کنترل شدید بر واردات است که در قیاس با سیاست "درهای باز" دو سه سال گذشته، "بستن درها" است و جنبه دیگر، تدارک وسیع و آمادگی ارگانها و نیروهای انتظامی برای مقابله با تنش های احتمالی در سطح جامعه. کنترل واردات که از طریق تقلیل شدید حجم واردات و

ادامه در صفحه ۲

هفته نامه اسپیکل:
از یک فرودگاه خصوصی در شمال آلمان
اسلحه و کالا های ممنوعه به ایران
حمل می‌شود

خریدار این فرودگاه بخاطر اقدامات غیرقانونی از سوی پلیس اسپانیا نیز تحت پیگرد است. درباره این فرودگاه در شمال آلمان هفته گذشته شبکه اول تلویزیون آلمان نیز گزارشی پخش کرد. همچنین اعلام شد که پلیس آلمان تحقیقات دامنه داری را درباره این فرودگاه و احتمال حمل کالاها و قطعاتی ممنوعه از طریق این فرودگاه به جمهوری اسلامی آغاز کرده است. علاوه بر این، این ظن در محافل سیاسی قوت گرفته که احتمال دارد رژیم اسلامی از این فرودگاه در نقل و انتقال ماموران شبکه جاسوسی و تروریستی رژیم در اروپا استفاده کند.

به مناسبت ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر
حقوق بشر
ومسئولیت سازمان ملل متحد
در صفحه ۷

گرامی باد چهلمین سالگرد ۱۶ آذر - روز دانشجو
روز دانشجو، سمبل پیکار دانشجویان
درواه آزادی، عدالت و پیشرفت
در صفحه ۷

یادداشت

تلاش‌های جدید آمریکا برای هماهنگ کردن سیاست غرب علیه جمهوری اسلامی

مقامات برجسته آمریکایی در هفته‌های اخیر بر میزان حملات خود بر جمهوری اسلامی افزوده‌اند. جدا از ملاقات بیل کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا با سلمان رشدی، که پیام سیاسی آشکاری در خود داشت، گفته‌های وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در بروکسل از جمله مهمترین اظهاراتی بود که علیه جمهوری اسلامی صورت گرفت.

اظهارات و بر خورد های اخیر نشان می‌دهد که دولت آمریکا بر ایجاد فشارهای خود به رژیم اسلامی افزوده است و حتی از احتمال وارد آوردن "ضربه پیشگیرانه" به ایران سخن می‌گوید.

کلینتون مدتهاست که سیاست منزوی و قرنطینه کردن جمهوری اسلامی را در پیش گرفته است. این مشی از زمانی که آمریکا از موفقیت نیروهایی که آنها را "میان‌رومی" خواند، ناامید شده صورت تهاجمی یافته است.

اکنون با توجه به استیصال حکومت در مقابله با مشکلات جامعه بویژه معضلات اقتصادی، دولت کلینتون موقعیت را برای تحقق سیاست خود مساعدتر می‌بیند. پیشبرد موثر این سیاست، مستلزم همراهی و همگامی جامعه اروپا با آمریکا است. بدون همگامی آنها، آمریکا قادر نخواهد شد که رژیم اسلامی را در سطح بین‌المللی محاصره و منزوی کند. آمریکا در این جهت تاکنون تلاش زیادی کرده است. در اجلاس سران هفت کشور بزرگ صنعتی که سال گذشته در ادینبورگ تشکیل شد، توافق گردید که دولت‌های جامعه اروپا بپیوندند و با جمهوری اسلامی را منوط باین امر کنند که این دولت از حمایت از تروریسم دست بردارد، از تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی چشم‌پوشد و فتوای قتل سلمان رشدی را لغو کند.

دولت‌های آلمان و ژاپن چندان به این تعهد پای بند نماندند و سیاست همکاری با جمهوری اسلامی را پیش بردند. مقامات آلمانی در مذاکره با طرف‌های ایرانی، به آنها اطمینان دادند که سیاست منزوی کردن جمهوری اسلامی در پیش نخواهند گرفت. ژاپن نیز سیاست مشابهی در پیش گرفت. اما بریتانیا جانب آمریکا را گرفت. فرانسه که در جریان جنگ خلیج فارس در جهت بهبود و گسترش مناسبات با جمهوری اسلامی گام بر می‌داشت، مدتی است که کمابیش با سیاست آمریکا در مورد رژیم اسلامی همراهی می‌کند.

بیشترین حجم واردات ایران از آلمان و ژاپن است. بنا بر گزارش کمیسیون فرعی کنگره آمریکا، آلمان سالانه ۵ میلیارد دلار و ژاپن ۳ میلیارد دلار کالا به ایران صادر می‌کنند. این دو کشور که در سطح جهانی به رقابت با آمریکا برخاسته‌اند، هم بجهت اقتصادی و هم بخاطر مسائل سیاسی، منافع خود را در گسترش مناسبات با جمهوری اسلامی می‌بینند و معتقدند که با مذاکره و توسعه مناسبات در جوانب مختلف می‌توان رژیم اسلامی را مهار کرد و از تیزی و تندسیاست‌های آن کاست.

پیشبرد این سیاست، تنش‌هایی بین آمریکا و انگلیس از یک سو و دولت آلمان از سوی دیگر بوجود آورد. نمونه بارز آن افشای سفر فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم اسلامی به آلمان بود. هر دو دولت آمریکا و انگلیس نسبت به این مسافرت عکس‌العمل نشان دادند و آمریکا آشکارا روابط بن با تهران را محکوم کرد. داگلاس هرد وزیر امور خارجه انگلیس سفیر آلمان در این کشور را فراخواند و با او گوشزد کرد که دعوت از وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی مغایر با توافقی است که در ادینبورگ بعمل آمد.

سران حکومت یخوبی آگاهند که اگر مشی منزوی کردن رژیم اسلامی متحدان توسط آمریکا و اروپا و ژاپن به اجرا گذاشته شود، با توجه به وخامت اوضاع در داخل کشور، حکومت بشدت ضربه خواهد دید و تحت فشار فوق‌العاده‌ای قرار خواهد گرفت. به همین خاطر گردانندگان رژیم تلاش می‌کنند که با ناهماهنگی و با دادن امتیازات مختلف نگذارند که آلمان و ژاپن در صف آمریکا قرار گیرند. آنها شکست سیاست آمریکا منب بر منزوی کردن رژیم اسلامی را در تداوم مناسبات گسترده به ویژه با این دو کشور بزرگ می‌بینند و موفقیت در این سیاست برای نشان از اهمیت زیادی برخوردار است.

دولت کلینتون نیز با توجه به این مسئله، بر تلاش‌های خود در جهت همراه کردن اروپا با سیاست خود افزوده است. گرچه اظهارات اخیر وزیر خارجه بلژیک در جهت نزدیک‌تر شدن موضع اروپا به موضع ایالات متحده نشان می‌دهد که آمریکا در این زمینه به موفقیت‌هایی تا ثل آمده است، ولی جبهه بندی بر سر برخورد با رژیم اسلامی بین کشورهای غربی همچنان وجود دارد.

رژیم ایران قانون شکن و ...

ادامه از صفحه ۱

وزیر خارجه بلژیک طی اظهاراتی که بی‌سابقه می‌نمود، گفت حداکثر کوشش خود را برای نزدیک کردن موضع اروپا به موضع ایالات متحده در مورد ایران بکار خواهد گرفت.

اظهارات کریستوفر حاکی از آنست که دولت آمریکا تلاش دیگری برای جلوگیری از صدور تکنولوژی پیچیده که ممکن است کاربرد نظامی داشته باشد آغاز کرده و احتمالاً توافقی‌هایی نیز در این زمینه میان آمریکا و اروپا بوجود آمده است. این اقدام از مدتها پیش مورد خواست دولت آمریکا بود اما بدلیل اختلاف مشی میان اروپا و آمریکا در این زمینه به نتایج چندانی نرسیده بود.

شکست سیاست تعدیل

ادامه از صفحه ۱

بالا بردن تعرفه‌های بازرگانی صورت می‌گیرد، در شرایطی که تولید داخلی کاملاً فلج شده و جایگزینی برای کالاها وارداتی نیست به گرانی بیش از پیش کالاها را مصرفی و رونق بازار سیاه دامن خواهد زد. علاوه بر این به دلیل تنگناهای مالی، توان دولت در پرداخت سوسپید روز بروز تحلیل می‌رود که اینک چند ماهی است که دولت بتدریج در کار حذف سوسپیدها مست. افزایش بهای بسیاری از خدمات دولتی، افزایش بهای نان، دارو، خدمات درمانی در هفته‌های اخیر نمونه‌هایی از این دست‌اند. این گرانی‌ها در کنار کمبود ارز به سقوط هرچه بیشتر ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی منجر خواهد شد. تولید داخلی که در اثر واردات بی‌رویه سالهای اخیر آسیب جدی دیده بود، با توجه به وابستگی جدی آن به مواد و قطعات وارداتی با زهم زبان خواهد دید. و آنچه در انتظار مردم است فشار بیش از پیش بر گردن مردم، مردمی که قبل از این نیز زیر بار مشکلات معیشتی کمر خرم کرده‌اند. آیا توده‌های فقر زده تحمل فشار باروضع تازه را هم خواهند کرد؟ اقداماتی نظیر تجدید سازمان و تقویت بیش از پیش نیروهای انتظامی، واگذاری اختیارات خامنه‌ای در نیروهای انتظامی به بشارتی وزیر کشور و انتصاب وی به ریاست "شورای امنیت ملی" که امنیت و امنیت شعار هر روزهاش شده و منع اعتصاب و تظاهرات از سوی کارکنان و کارگران دولت، آمادگی برای مقابله با حوادث احتمالی در میان مردم است.

به این ترتیب می‌توان گفت سیاست ۴ ساله "تعدیل" دولت رفسنجانی به بن بست رسیده و شکست خورده است. تنگنای بی‌سابقه مالی دولت تنها نفس‌های آخر تعدیل را گرفت. اما چرا تعدیل شکست خورد؟ در جستجوی علل باید قبل از هر چیز روی سیاست درهای با زور و سیل آسای کالاهای مصرفی لوکس انگشت گذاشت. به علاوه باید بخاطر داشت که سیاست یکسان سازی نرخ ارز، که در اساس درست بود، جوری اجرا شد که به خالی شدن خزانه کشور و پرت شدن جیب تجار کمک کرد. گرچه کاهش درآمد ارزی که همه کشورهای تولیدکننده نفت با آن مواجه‌اند نقش مهمی در بهم ریختن وضع

شاکیان در دادگاه می‌کونوس: ...

ادامه از صفحه ۱

نیروی سازمانده این ترور بوده است. وی جمهوری اسلامی را سازمانده اصلی این ترور معرفی کرد. او گفت: رژیم از این اصل را بر ناپودی فیزیکی دگراندیشان گذاشت. شاهد این مثال اعدام هزاران تن مخالف سیاسی در داخل کشور است. تروریستی از سوی نیل به این هدف بود. وی به ۲۰ مورد ترور مخالفان قبل از ترور برلین اشاره کرد.

حسن جعفری در پاسخ به سؤال یکی از قضات مبنی بر اینکه: آیا در ایران کسی را بدلیل داشتن عقیده سیاسی مخالف اعدام کرده‌اند؟ گفت: من در اینجا می‌توانم نام صد تن از دوستانم را ببرم که فقط به دلیل داشتن عقیده سیاسی مخالف رژیم اعدام شده‌اند. وی احتمال دخالت نیروهایی نظیر کردهای عراقی و یا سازمان‌های سیاسی ایرانی در این ترور را رد کرد و گفت: آنها اصولاً نفی در این ترور ندارند و شیوه‌های مبارزه آنها هم به چنین جنایتی ارتباطی ندارد. تنها جمهوری اسلامی است که هم اعتقاد سیاسی به ترور دارد و هم شیوه عملش تروریستی است.

حسن جعفری در مورد تماس‌های نجاتی، یکی از مأموران اطلاعاتی رژیم با ایرانیان مقیم خارج گفت: این فرد یکسال قبل از وقوع ترور پیغام فرستاد که می‌خواهد با سازمان فدائیان اکثریت، ملاقات و گفتگو کند. ما بر اساس مواضع سازمان پیغام دادیم که مذاکره باید علنی و با حضور ارباب جرایم، در باره بازگشت مهاجرین به کشور و ایجاد شرایطی که لازمه بازگشت است باشد و ملاقات با مسئولان رسمی حکومت و نه با مقامات امنیتی، صورت گیرد. رفیق جعفری تصریح کرد: از نظر ما آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و ایجاد فضای دموکراتیک در جامعه از جمله شرایط بازگشت است. حسن جعفری در پاسخ به سؤال دادگاه مبنی بر اینکه چرا حاضر به ملاقات مخفی نشدید؟ گفت: رژیم از

در جلسه دهم دادگاه خانم شهره بدیعی به حضور یک فرد آلمانی به نام احمد میخائیل در جایگاه خبرنگاران اعتراض کرد. وی بعنوان خبرنگار ایرانی اخیر گزاری جمهوری اسلامی در دادگاه شریک شده بود. رئیس دادگاه احمد میخائیل را فرا خواند و از او کارت شناسایی خواست. میخائیل خود را یک آلمانی مسلمان شده معرفی کرد. رئیس دادگاه از او پرسید: آیا عضو حزب الله است؟ میخائیل پاسخ داد: کاظم دارابی (متهم اصلی) به او گفته است، هر کس مسلمان شود، خود بخورد عضو حزب الله است!

دادگاه تقاضای وکیل مدافع جدید یکی از متهمین برای تعویق دادگاه را رد کرد. وکلای مدافع متهمین تا بحال چند بار تلاش کرده‌اند دادگاه را به تعویق اندازند، اما موفق نشده‌اند.

سخنان رفیق حسن جعفری در

اقتصادی داشته است، اما از نظر ماسلم اینست که این برنامه قبل از هر چیز بدلیل سیاسی شکست خورد. در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکست برنامه‌های اصلاحی دلال سیاسی دارد، به این معنا که می‌خواهند اصلاحات اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد ولی مایل نیستند در روش اداره سیاسی کشور در ساختار سیاسی جامعه تغییری حاصل شود. در ایران تحت حاکمیت ولایت فقیه این امر از قطعیت کامل برخوردار است.

در همین نخستین سال تعدیل - آنطور که ادعا می‌کردند - قرار بود ساختار اقتصادی کشور اصلاح شود و تولید رونق بگیرد، قرار بود دانش، تخصص و سرمایه به خارج شده از کشور به داخل بازگشته و در خدمت بازسازی کشور قرار گیرند، قرار بود روابط با دنیای خارج بهبود یابد و سرمایه و دانش فنی خارجی در ایران به کار افتد، قرار بود سرمایه‌های داخلی جذب تولید شود، قرار بود اصلاح پولی به ثبات ریان در برابر ارزهای خارجی بیا نجامد، قرار بود گرانی و تورم مهار و فشار بر مردم ففرزده کاهش یابد، قرار بود به خشونت‌ها و بی‌قانونی‌ها پایان داده شود و دهها قرار دیگر که در اثر اجرای تمام این "قرارها" کشور از درجه مناسب رشد اقتصادی گرده و به خصوص گرانی و تورم مهار شود و فشار بر دوش مردم ففرزده کاهش یابد. اما چرا این "قرارها" متحقق نشد؟ به این دلیل که هیات حاکمه به اصلاحات سیاسی تن نداد. حتی اگر برای این "قرارها" طرح‌های درستی هم وجود می‌داشت، لازمه تحقق آنها تغییر و اصلاح ساختار سیاسی و راه و روش اداره سیاسی کشور بود. اگر قرار بود تحت حاکمیت ولایت فقیه، دانش و تخصص و سرمایه به گریزان از کشور به ایران بازگردند، چرا اصلاحات اول فرار کرده بودند؟ اگر قرار بود ایران همچنان تحت حاکمیت ولایت روحانیت با آن دشمن تراشی‌ها و ماجراجویی‌های بین‌المللی‌اش از انزوای جهانی‌اش خاج شده و از امکانات بین‌المللی برای بازسازی و بهبود وضع اقتصادی‌اش بهره گیرد، آنوقت این سوال پیش می‌آمد که پس اصلاحات از رخنه‌ها ضرورت تا سیس چنین رژیم‌هایی و تحمل این همه مصیبت برای چه بوده است.

اقتصاد کشور برای جلوگیری از سقوط کامل و حتمی به قهر فلاکت نیازمند اصلاحات جدی است، اما پیش شرط این اصلاحات، اصلاحات سیاسی است. ولیکن مصالح و منافع هیات حاکمه جمهوری اسلامی و قبل از همه روحانیت، چنین اصلاحاتی را بر تانید.

روزنامه‌های ۴ دسامبر آلمان درج شد. روزنامه "تاکس اشپگل" این سخنان را به تفصیل انتشار داد.

عباس رایل (متهم به شلیک تیر خلاص به سوی دکتر شرفکنند) در پاسخ به سؤال دادگاه که چرا اثر انگشت او بر روی طپانه‌ای که با آن به سرد کتر شرفکنند شلیک شده وجود دارد، گفت: اثر انگشتش وقتی روی طپانه‌ای مانده که در خیابان "گودام" برلین یک نفر یوگسلاوین اسلحه را به او نشان داده است!

در جلسات دادگاه موضوع تماس مأمورین امنیتی رژیم با ایرانیان مقیم برلین به تفصیل مطرح شد. یکی از شهرد ضمن اشاره به تماس خود با این مأمورین گفت: بلافاصله پس از ترور به آنها گفته

است که دیگر با او تماس نگیرند. وی افزود: یکی از افراد رژیم خود را نادر صدیقی معرفی کرده بود. این شاهد در پاسخ به این سؤال که او (نادر صدیقی) یک مقام امنیتی و یا نظامی بوده است، اظهار داشت: در ایران اصولاً اینچنین چیزها با هم قاطی می‌شود.

آقای ولفگانگ ویلانت وکیل مدافع خانم شهره بدیعی پس از پایان جلسه ۳ دسامبر دادگاه در جمع خبرنگاران گفت: با توجه به ترور کتر قاسم‌لو که در حین مذاکره با مأمورین جمهوری اسلامی صورت گرفت، باید گفت که ادعاهای رژیم ایران در مورد مذاکره با اوزیسون با هدف ترور و نابودی آنها صورت می‌گیرد و نه بر اساس خواستهای خیرخواهانه جمهوری اسلامی

نامه سرگشاده به مقامات جمهوری فدرال آلمان

به: رئیس جمهوری آلمان فدرال
صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان
رئیس پارلمان فدرال آلمان
وزیر امور خارجه فدرال آلمان
وزیر کشور جمهوری فدرال آلمان
وزیر دادگستری جمهوری فدرال آلمان

خانمها و آقایان محترم

مطبوعات آلمان اخیراً گزارش داده‌اند که مقامات ایرانی در مذاکراتشان با مقامات رسمی آلمان اظهار تمایل کرده‌اند که اطلاعاتی درباره فعالیت‌های ایرانیان تبعیدی در آلمان دریافت دارند.

این گزارشها باعث نگرانی همه ایرانیان درمکراتی شده است که به علت سرکوبگری رژیم ایران به کشور شما پناه آورده‌اند. صرف این واقیعت که این گزارشها مورد تکذیب مقامات آلمانی قرار نگرفته و این مقامات، مخالفت خود را با هر گونه همکاری با دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی ایران اعلام نکرده‌اند، تا حد زیادی به حیثیت جمهوری فدرال آلمان لطمه می‌زند.

ما از شما به عنوان عالی‌ترین مقامات جمهوری فدرال آلمان تقاضا می‌کنیم ترتیبی دهید همه سرویس‌های مخفی آلمان، علناً و موکداً متعهد گردند به مقامات ایرانی هیچ گونه اطلاعاتی درباره ایرانیان ساکن آلمان نخواهند داد. تنها محکوم کردن علنی قول‌های مساعد مسئولان پائین رتبه نمایندگان رژیم ایران است که می‌تواند این ظن را بر طرف سازد که دادن اطلاعات درباره فعالیت‌های مخالفان ایرانی، بخشی از همکاری‌های امنیتی دولت آلمان با مقامات جمهوری اسلامی است.

با احترام
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سوم دسامبر ۱۹۹۳

همکاری اطلاعاتی رژیمهای ایران و عراق

روزنامه ایتالیایی کوریره دلا سرا جندی پیش از قول منابعی در خلیج فارس گزارش داد که رژیمهای ایران و عراق درباره همکاریهای محرمانه میان سازمان های اطلاعاتی خود به توافق رسیدند. این توافق در جریان سفر مجدد جواد ظریف معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی به بغداد صورت گرفت.

این روزنامه می نویسد: در دیدارهای ظریف با مقامات عراقی، عراقی ها خواهان باز پس گرفتن هواپیما های جنگی خود که به هنگام جنگ خلیج فارس به ایران فرستاده بودند، شدند. به نوشته این روزنامه رژیم اسلامی، همکاری همکاران سازمان های اطلاعاتی دو کشور را شرط پس دادن هواپیماها عنوان کرد و بدنبال آن توافقهایی بین دو طرف صورت گرفت. از جمله این توافق ها، کسب اطلاعات درباره شرکت هایی که حاضرند تحریم اقتصادی عراق را بشکنند و کالا های

زنان وخشونت روزمره

۲۵ نوامبر روز جهانی نفی خشونت علیه زنان است. ۲۱ سال پیش در چنین روزی در جمهوری دومینیکن وابستگان سازمان جاسوسی ارتش سه شهروند زن را پس از شکنجه و تجاوز به قتل رساندند. سال ۱۹۸۱ زنان پیشرو آمریکای لاتین در اجتماع خود این روز را به عنوان روز جهانی نفی خشونت علیه زنان پیشنهاد کردند. این پیشنهاد در سطح جهانی مورد استقبال قرار گرفت و اینک همه ساله در روز ۲۵ نوامبر در بسیاری از کشورهای جهان برای اعتراض به اعمال خشونت علیه زنان برنامه ها و تظاهراتی برپا میگردد. بی عدالتی، حق کشی و اعمال خشونت رایج در جهان بیش از همه گریبان زنان و کودکان را میگیرد. روابط مرد سالارانه و سنتی در خانواده ها، عدم برابری زنان و مردان در دستیابی به شغل و حرفه مورد نظر خود، سوء استفاده از فقر و ناداری برای کشاندن دختران و زنان به فحشاء و هرزگی، بهره گیری از سکس برای تبلیغات تجاری، محرومیت زنان از حق تصمیم گیری در مورد ادامه بارداری و... نمونه هایی از رنج و خشونت است که علیه زنان اعمال میشود.

در کشورمان نیز مجموعه ای از سنن، حقوق مدنی و موازین شرعی، اعمال فشار و بی عدالتی در حق زنان را مشروعیت بخشیده است. هنوز هم در پاره ای از نقاط کشور مردان (شبه آنچه که اخیراً در خوزستان اتفاق افتاد) زنان، دختران و یا خواهران خود را به خاطر روابط نامشروع به قتل میرسانند. در مناطق سنتی و عقب افتاده خانواده ها از ادامه تحصیل دختران جلوگیری می کنند، آنها را بدون جلب نظرشان و بعضاً به زور به همسری میدهند و نه ماه پس از عروسی هم از وی بچه میخواهند که آنهم حتما باید پسر باشد. این فشارها و تضییقات با روی کار آمدن جمهوری اسلامی دو صد چندان شده است. اینک روزی نیست که زنان ما بخاطر رعایت حجاب تحمیلی در خیابان مورد ضرب و شتم و دشنام ما موران حزب الهی واقع نشوند. دختران و زنان بخاطر روابط نامشروع به پای چوبه دار برده میشوند. واپسگرایان و تحجر دولتمردان رژیم به قدری است که حتی تشکیل کمیسیون ویژه زنان در مجلس را نیز تحمل نمیکنند. اینک ۱۴ سال است که زنان کشور ما از وزیر شدن، تصدی مدیریت ادارات کل و ریاست دانشگاهها محرومند. انجمن ها و گروه هایی هم که جمهوری اسلامی برای خالی نبودن عریضه به نام زنان به راه انداخته سر نخشان در دست همسران و دختران زعمای رژیم، یعنی در دست کسانی است که تسلیم فکر واپسگرا و تکبیت بار مردانستان هستند.

این وضع ظالمانه و خشونت بار هیچ سختی یا سطح رشد فکری و فرهنگی زنان ما ندارد. حضور چشمگیر زنان در عرصه های علمی، فرهنگی و هنری روز به روز تدام این وضعیت را برای رهبران جمهوری اسلامی مشکل تر می کند. لغو ممنوعیت درباره ای از رشته های فنی- مهندسی، کشاورزی، مجسمه سازی و هنرهای زیبا و... که اخیراً صورت گرفت، نشانه ای است از عجز و استیصال رژیم در ادامه اعمال محدودیت ها و فشارها در حق زنان کشور ما.

کشاکش تهران - پاریس ادامه دارد

با گذشت چند هفته از اعلام رسمی پذیرش مریم رجوی و گروه کثیری از کادرهای مجاهدین توسط دولت فرانسه، کشمکش بر سر این موضوع میان دولت های فرانسه و ایران ادامه دارد. تهران در اقدامی که به نظر می رسد در ارتباط با وقایع اخیر باشد، ساعت ۱۰ شب روزیکشنبه ۷ آذر ماه (۲۸ نوامبر) پاسداران انقلاب خود را به آن سوی مرزهای کشور به داخل خاک عراق فرستاد تا پایگاه اشرف یکی از پایگاه های اصلی مجاهدین در عمق ۷۵ کیلومتری خاک عراق را به خمپاره بپندند. سازمان مجاهدین در اطلاعیه ای پس از وقوع این حمله، تلفات خرد از این حمله را یک مجروح اعلام کرد. این سازمان گفت یک خمپاره انداز ساخت ایران

مورد نیاز این کشور را به آن بفروشد، تاسیس سازمان مشتری برای کسب سلاح های ممنوع و صدور مواد غذایی و وسایل یدکی و کالا های مورد نیاز عراق در برابر نفت، می باشد.

یک هواپیمای مسافربری ایران ربوده شد

دوشنبه هفته گذشته یک هواپیمای مسافربری فوکر ۲۷ متعلق به شرکت نفت که در مسیر آبادان - گچساران در پرواز بود ربوده و به شهر بصره در عراق برده شد. رباننده این هواپیما فردی است بنام علی رضا کریمی که همراه همسر و فرزند، خود را در فرودگاه بصره تسلیم مقامات عراق کرد و تقاضای پناهندگی سیاسی نمود. مقامات جمهوری اسلامی رباننده هواپیما را با تشکیلات مجاهدین مربوط دانستند. اما مجاهدین خلق ارتباط خود را با این هواپیمای ربوده کرده و آنرا محکوم نمودند. مسافران و خدمه هواپیمای

ربوده شده پس از انتقال به بغداد از طریق مرز زمینی خسروی به کشور بازگشتند اما از سرنوشت خود هواپیما و رباننده آن هنوز خبری نیست. دولت جمهوری اسلامی طی یادداشتی به استناد قراردادهای بین المللی علیه هواپیمای ربای از عراق خواسته بود که هواپیما را همراه با مسافران و رباننده هواپیما تحویل جمهوری اسلامی بدهد. اما دولت تقاضای پناهندگی سیاسی کرده است. به گفته رادپو عراق، رباننده هواپیما یک بسیجی بوده و برادرش نیز به دست رژیم جمهوری اسلامی کشته شده است.

ابوالفضل قاسمی در گذشت

مانند و سرانجام در اثر فشار سازمانهای بین المللی آزاد شد. وی در زندان به بیماری قلبی دچار شد و مرگ او نیز بر اثر همین بیماری اتفاق افتاد.

ابوالفضل قاسمی از مبارزین بنام پیرو راه مصدق و از جمله کسانی بود که موضوعی محکم در برابر استبداد و دیکتاتوری داشت.

قاسمی علاوه بر فعالیتهای سیاسی، تحقیقات پرارزشی نیز انجام داد. ۱۴ کتاب از او درباره تاریخ به جا مانده که بخش عمده آن در باره الیگارشی یا حکومت خانواده ها در ایران است.

کتاب "در گذشت ابوالفضل قاسمی" را به خانواده او و همه پیروان نهضت ملی ایران تسلیت می گوید.

ابوالفضل قاسمی سیاستمدار، مورخ، روزنامه نگار و مدیر کل حزب ایران در سن ۷۳ سالگی در تهران در گذشت. وی از سال ۱۳۲۰ به سیاست روی آورد. او در طول بیش از ۵۰ سال فعالیت سیاسی و تحقیقی خود، علیه حکومت های خود کامه شاه و جمهوری اسلامی مبارزه کرد و به همین خاطر چندین بار به زندان افتاد، به تبعید رفت و حتی مجبوری به زندگ مخفی شد.

ابوالفضل قاسمی در نخستین انتخابات مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم در گز خراسان - زادگاه وی - به نمایندگی مجلس انتخاب شد، اما اعتبارنامه او را رد کردند و وی را به ۱۵ سال زندان محکوم نمودند. قاسمی پیش از ۴ سال در زندان جمهوری اسلامی

بحران فزاینده اقتصادی در کشور

ادامه از صفحه ۱

بزرگ صنعتی که اکثر تحت پوشش دولت می باشد جهت تامین و خرید مواد اولیه و قطعات مورد نیاز باید فقط به بانک مرکزی مراجعه کنند و بانک مرکزی هم از طریق گشایش اعتبار اسنادی مواد مورد نیاز آنها را تامین می کند و این در حالی است که شرکت های خارجی بعلت حجم بسیاری از معوقه نه پرفورما می دهند و نه گشایش اعتبار اسنادی توسط بانکها را قبول دارند و تنها راه باقی مانده برای خرید واحدهای صنعتی همان خرید بدو نقل است که این امر نیز بنا به تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز برای شرکت های دولتی منع گردیده است.

نژاد حسینیان اظهار داشت که تصویب تعرفه های جدید گمرکی توسط دولت یکسال به تعویق افتاد که این امر منجر به ورود بی رویه کالا های خارجی به کشور هم چنین مصرف و خروج بسیاری از ارز کشور شد و در نهایت صدمات جبران ناپذیری به بیکره صنعت کشور وارد آورد. تعرفه های جدید نیز از درصد بسیار پائین برخوردار بوده و حمایت های اساسی و جدی را از صنایع داخلی ندارد.

بالاخره بعد از چند سال مجبور شدند مقررات مناطق آزاد تجاری - صنعتی را تغییر دهند. این مناطق که ظاهراً قرار بود در خدمت افزایش تولیدات کشور، جلب سرمایه های خارجی و جذب تکنولوژی پیشرفته و صدور کالا های پیشرفته باشد، عملاً به مناطق کالا های وارداتی تبدیل شدند. الیریری معاون رئیس جمهور و رئیس شورای عالی مناطق آزاد تجاری اعلام کرد از این پس این مناطق بعنوان مناطق توریستی و توسعه صادرات مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی گفت واردات کالا از طریق مناطق آزاد یک حرکت انحرافی بود. این اظهارات اعلام شکست برنامه دولت رفسنجانی در زمینه مناطق آزاد بود.

تصمیمات جدید دولت رفسنجانی در زمینه مسائل ارزی و واردات که بخاطر کمبود ذخائر ارزی و حجم عظیم بدیهی خارجی رژیم و عدم بازپرداخت آن صورت گرفته است، خود زمینه ساز مشکلات جدید در اقتصاد کشور و بویژه تولیدات صنعتی شده است. در مایه های آتی باید شاهد افت تولیدات کشور، کاهش میزان واردات و کمبود کالا ها در بازار داخلی، افزایش بیکاری و رشد شتابان تورم بود. دولت رفسنجانی در مایه های آتی با مشکلات بازهم بیشتر اقتصادی روبرو خواهد شد.

که نرخ ارز افزایش خواهد یافت. بنوشته روزنامه رسالت عده ای سرمایه دار حدود ۳۴۰۰ میلیارد ریال در زمینه ارز سرمایه گذاری کرده اند و با این پول به خرید و فروش ارز می پردازند. این مبلغ حدود ۲ میلیارد دلار است. با فعالیت این گروه قیمت ارز در دست این گروه قرار خواهد گرفت و از کنترل بانک مرکزی خارج خواهد شد. صرافان می گویند که اکنون سیستم بانکی قادر به انجام تعهدات خود نیست و در نتیجه ستم بازار آزاد اعتبار بیشتری نزد تجار و متقاضیان ارز پیدا کرده است و آنها ترجیح می دهند ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد بخرند.

نوسانات ارزی ناشی از کاهش ذخایر ارزی دولت رفسنجانی است. بنوشته مطبوعات کشور امسال درآمد حاصل از صادرات نفت به ۱۳/۵ میلیارد دلار و صادرات غیر نفتی به ۲/۵ میلیارد دلار می رسد و دولت با یک کاهش درآمد و کسری ۵ میلیارد دلار برای امسال مواجه است. این مسئله بر بازپرداخت بدهی ها و میزان واردات تاثیر جدی گذاشته است. واردات ایران از شرکای تجاری عمده اش در نیمه اول سال جاری بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت. تاخیر در بازپرداخت بدهی ها موجب شده است که کشورهای صادر کننده در قراردادهای خود با ایران تقاضای پول نقد کنند و در غیر این صورت قراردادهای خود را متوقف کنند. ایران در بازپرداخت بدهی هایش در حال حاضر ۹ ماه تاخیر دارد.

کاهش درآمد ارزی و سیاست های ارزی دولت به تولیدات کشور آسیب جدی زده است. عدم تخصیص ارز کافی برای صنایع موجب تعطیلی تدریجی واحدهای صنعتی را فراهم ساخته است. وزیر صنایع سنگین در این زمینه بتازگی سخنان هشدار دهنده ای بر زبان راند: به گفته وی در حال حاضر بخش عمده ای از کارخانجات کشور با کمبود قطعات یدکی و مواد اولیه وارداتی مواجه هستند و تداوم سیاست فعلی کمیته تنظیم بازار ارز مبنی بر عدم تخصیص ارز برای واحدهای صنعتی بزرگ منجر به توقف کار واحدهای صنعتی می شود. وی اضافه کرد: در آینده نزدیک شاهد توقف تولید، افزایش حجم بیکاری و تورم ناشی از کمبود محصولات داخلی در کشور خواهیم بود. وزیر صنایع سنگین به خبرنگاران گفت که میزان تولید بخش صنعت سنگین نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرده است. وی افزود با توجه به تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز، کارخانجات

بشکه بود، تثبیت کند. اما همین سهمیه بندی رسمی نیز از سوی بسیاری از کشورهای عضو رعایت نمی شود. همزمان با نا کامی اوپک برای کاهش سطح تولید اعضای خود، تولید کنندگان نفت در دریای شمال، بر میزان تولید خود افزودند. افزایش میزان تولید نفت دریای شمال، سقوط بیشتر کاهش قیمتها را بدنبال آورده است. دفتر اوپک در وین در اواخر آبانماه گذشته اعلام کرد بهای نفت پایه این سازمان به ۱۴/۵۱ دلار در هر بشکه رسیده است.

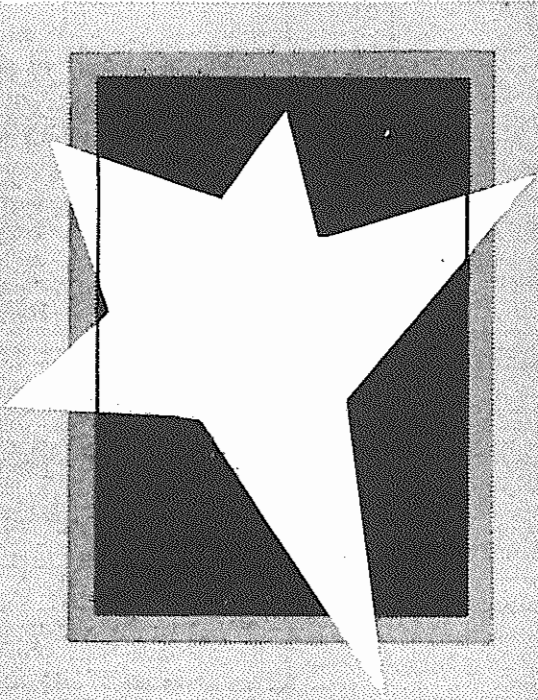
سقوط بهای نفت و عدم موفقیت برای کاهش تولید آن اثرات ویرانگری بر بحران شدید مالی و ارزی جمهوری اسلامی بر جای گذاشته است و ابعاد آن را گسترش داده است. نرخ فروش دلار در دو هفته اخیر بالا رفت و در بازار آزاد به رقم بی سابقه ۲۰۰۰ ریال رسید. بانک مرکزی در رقابت با بازار آزاد برای چندمین بار ارزش ریال را در مقابل ارزهای خارجی پائین آورد. در یک ماه اخیر بازار ارز دچار نوسانات شدیدی بود و بانک مرکزی بدفعات نرخ ارزهای خارجی را در مقابل ریال بالا برد.

کمیته تنظیم بازار ارز هفتم آذر ماه در رابطه با نوسانات بازار ارز و بحران مالی کشور جلسه ای با شرکت رفسنجانی تشکیل داد و تصمیمات جدیدی اتخاذ نمود. بر پایه این تصمیمات از تاریخ هفتم آذرماه فروش ارز غیربازرگانی منحصربه ارز مسافری، بیماری، دانشجویی و مامورین خواهد بود و به شکل تحویل ۳۰۰۰ دلار روزی هر جلد گذرنامه و تحویل ارز بیماری، دانشجویی و مامورین طبق ضوابط جاری انجام می شود.

در عین حال کمیته تنظیم بازار ارز در مورد واردات محدودیت های زیادی را قایل شد. از این پس ورود کالا های همراه مسافران مناطق آزاد چاه بهار و قشم ۸۰ دلار روز منطقه کیش به ۲۰۰ دلار محدود می شود. مطابق این تصمیمات تامین ارز برای واردات بدون انتقال ارز توسط سیستم بانکی کشور انجام می شود و وارد کنندگان می توانند پس از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی ارز مورد نیاز خود را مستقیماً از سیستم بانکی دریافت نمایند.

روز پیش از اعلام خیر تصمیمات کمیته بازار ارز، دلالت و سوداگران ارز از نخستین ساعات بامداد در جلو بانکها صف های طولانی تشکیل دادند تا از آخرین فرصت استفاده کنند و بهر مقدار ممکن ارز بخرند. آنها مطمئن بودند

پیست و سومین سالگرد چشمش فدائیان خلق را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!



جشن سالگرد سازمان با شرکت:

ویگن

خواننده مشهور ایران

زمان: ۱۳ فوریه ۱۹۹۴

محل: آلمان - بن

انتقاد خامنه‌ای از سیاستهای اقتصادی دولت

خامنه‌ای رهبر رژیم، اخیراً در ملاقات با مسئولان سازمان بیمه‌های اجتماعی از سیاست تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی انتقاد کرد و گفت ما مکرراً به مسئولان اقتصادی کشور و شخص رئیس‌جمهور تذکر داده‌ایم که به فکر قشرهای فقیر باشند. او گفت در کشور ما منظور از تحرک اقتصادی صرفاً رشد اقتصادی نیست. چون ممکن است یک کشور از رشد اقتصادی بالا بی‌برخوردار باشد مثلاً هشت یا ده درصد اما در صد بالا بی‌از کشور فقیر باشند و لذت‌ها را

مجلس "آخذ شهری" از سوی دولت ...

ادامه از صفحه ۱
نمایندگان مجلس شورای ما موجب شد قانونی واجباری و تقریباً همگانی کردن دریافت شهری بود. برپه آنکه این لایحه با اصل ۳۰ قانون اساسی رژیم مبادینت داشت. اصل یاد شده صراحت دارد: دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کنفای کشور بطور رایگان گسترش دهد.

جالب این بود که در جریان مباحثات پروری بند های ذکر شده هم موافقان و هم مخالفان "آخذ شهری" سنگ طبقات "محروم و مستضعف" و یا بنا به اصطلاح جدیدشان "آقشار آسیب پذیر جامعه" را به سینه می‌زدند. نجفی‌زیر آموزش و پرورش با ذکر اینکه "آخذ شهری به نفع طبقات محروم و مستضعف است بودجه آموزش و پرورش و اختلاف هزینه مدارس نواحی مرفه نشین و غیر مرفه نشین شهرها را مطرح کرد. به اعتقاد او با دریافت شهری می‌توان اعتبارات بیشتری برای مدارس روستاها و نواحی فقیر نشین شهرها اختصاص داد. نجفی به قصد مستدل کردن نظرات خویش به کسر بودجه ۳۲ میلیارد تومانی سال جاری آموزش و پرورش (۱۱ درصد کل بودجه این وزارتخانه) اشاره کرد. این کسر

زیر فشار محافل کارگری ...

ادامه از صفحه ۱
موجبات ناخوشنودی متخصصان و بویژه کارگران... را فراهم آوردند. حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی نیز تا کید بر اینکه تبصره ۴۸ لایحه پیشنهادی مصوبه شورای اقتصاد نیست و احتمال تصویب آن در هیئت دولت منتفی است گفت که این تبصره با منافع کارگران و تولید کنندگان جامعه در تضاد است. او همچنین گفت: برای ما مسئله اصلی "حفظ نظام" است که متأسفانه در دیدگاههای اقتصادی یک سری از افراد این مسئله جای ندارد.

علی‌رضا محبوب دبیر کل خانه کارگرنیز درباره تبصره پیش گفته واکنش نشان داد. وی با ذکر اینکه مسئولان سازمان برنامه و بودجه در اتاقهای در بسته و دور از واقعیات جامعه، اقدام به سیاست گذاری می‌کنند، برنامه‌های طرح ریزی شده توسط آنان را فاقد اعتبار دانست. محبوب خاطر نشان کرد که در برنامه پیشنهادی حمایت از اقشار ضعیف را موقوف به تعارف و مصیبات بعدی و وعده سرخرمن کرده‌اند.

صداهای از نمایندگان کارگران استان تهران نیز با اجتماع در محل خانه کارگر مخالفت خود را نسبت به هر گونه تغییر در قانون کار اعلام کردند و از مسئولان حکومتی

آغاز محاکمه عباس عبدی

روز چهارشنبه سوم آذرماه (۲۴ نوامبر) یکمین جلسه "محاکمه" مهندس عباس عبدی، سردبیر روزنامه "سلام بر گزار شد. اخبار رسمی حاکی از آن است که این جلسه به دلیل درخواست مهندس عبدی مبنی بر استفاده از وکیل مدافع تعطیل و ادامه جلسات دادگاه به بعد موقوف شده است. جلسات دادگاه محاکمه سردبیر سلام در شرایطی آغاز می‌شود که بیش از سه ماه از دستگیری وی می‌گذرد. با این وجود هنوز هیچ اتهام مشخصی از سوی مقامات قضائی به وی وارد نشده است. اتهامات کلی وارد پرونده که در ابتدا مسائل سیاسی و سپس مسائل مطبوعاتی اعلام می‌شد، اکنون عنوان مطبوعاتی-سیاسی به خود گرفته است.

از سوی دیگر از آن جانی که تا کنون اتهامات وارد بر مهندس عبدی مشخص نشده و کیفرخواست دادستانی در مورد پرونده وی انتشار دست کم بیرونی نیافته است، کماکان جای این سؤال باقی است که رسیدگی به اتهامات و پرونده وی در حوزه صلاحیت و اختیارات کدام بخش از هراتوری قضائی کشور اسلامی قرار دارد. گذشته از اینها مقامات قضائی تا کنون اعتراضات گسترده، از جمله اعتراضات روزنامه سلام نسبت به بازداشت عباس عبدی، نحوه این بازداشت و حبس سه ماهه وی را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

انتخاب فرمانده جدید ناحیه انتظامی تهران

رضا سیف‌اللهی فرمانده نیروی انتظامی کشور، سرتیپ یوسف رضا ابوالفتحی فرمانده ناحیه انتظامی استان فارس را به سمت فرمانده جدید ناحیه انتظامی تهران بزرگ معرفی کرد. وی پس از برکناری عقابایی و جانشینی موقت کریم ملاحی به این سمت منصوب شده است. سیف‌اللهی با اشاره به اینکه ابوالفتحی در طول خدمت خود در نیروی انتظامی سمت‌های حساسی به عهده داشته است و در انجام وظیفه تا سرحد ایثار جان وارد عملیات شده است در تشریح وظایف فرمانده جدید گفت: تهران بزرگ یکی از نواحی حساس کشور است و با کوچکترین حرکتی در آن مسئولین بلند پایه کشور در جریان قرار

در گذشت آیت‌الله واعظی بر اثر شکنجه

آیت‌الله واعظی از روحانیون مخالف رژیم که اخیراً برای شرکت در مراسم ترحیم همسرش به ایران رفته بود، به خاطر شکنجه‌های جسمی و روانی که به او وارد شد درگذشت. این خبر از سوی مهدی روحانی یکی از روحانیون مخالف رژیم در خارج از کشور اعلام شد. به گفته وی آیت‌الله واعظی که اجازه نیافت در مراسم تدفین و ترحیم همسرش شرکت کند. در زمان چهل

حمله هواداران مجاهدین به کنسرت شهرام ناظری

روز یکشنبه ۱۷ آذر (۲۸ نوامبر)، شهرام ناظری خواننده مشهور ایرانی، کنسرتی در شهر کلن آلمان برگزار کرد. این کنسرت که حدود هزار تن از ایرانیان در آن شرکت کردند با حمله مجاهدین برای مدتی متوقف شد. حدود ۳۰ تن از افراد این سازمان به زور وارد سالن کنسرت شده و علیه شهرام ناظری و اوپا این نگرانی را بوجود آورده است که نیروهای این سازمان که اخیراً از عراق به اروپا آمده‌اند اقدامات سرکوبگرانه علیه "غیر خودی‌ها" در اروپا را تشدید کنند.

این اقدام مجاهدین پس از ورود بخشی از نیروهای این سازمان به اروپا این نگرانی را بوجود آورده است که نیروهای این سازمان که اخیراً از عراق به اروپا آمده‌اند اقدامات سرکوبگرانه علیه "غیر خودی‌ها" در اروپا را تشدید کنند.

خبرهای کوتاه

آغاز رسیدگی به شکایات علیه کیهان هوایی

در پی شکایات سعیدی سیرجانی از نشریه کیهان هوایی بخاطر انتشار مطالب توهین آمیز علیه وی که در سال ۶۸ صورت گرفته بود، سرانجام پس از بارها به تعویق افتادن، پرونده شکایت مزبور به جریان افتاد. در عین حال بررسی شکایات رجایی خراسانی از عباس سلیمی‌نمین مدیر مسئول کیهان هوایی که پرونده آن از سال ۶۹ در دادسرای عمومی گشوده شده است، آغاز گردید. با اینکه این نشریه برای ایرانیان خارج از کشور تهیه می‌شود و هدف حمله خود را عمدتاً مخالفان رژیم در خارج از کشور قرار داده و بطور مدام علیه آنها می‌نویسد، هراز گاهی نیز بر ضد ایرانیان داخل کشور قلم فرسایی می‌کند. این بار دو تن از کسانی که بخاطر سکونت در ایران به مراجع دادگستری دسترسی دارند به طرح شکایت خویش پرداخته‌اند.

کاهش تعداد پناهیجویان ایرانی در آلمان

وزارت کشور آلمان اعلام کرد که تعداد متقاضیان پناهندگی در این کشور بطور چشمگیری کاهش یافته است. برای نمونه تعداد ایرانیان متقاضی پناهندگی سیاسی از آلمان در ماه اکتبر سال جاری به ۲۳۲ نفر کاهش یافت. رقم مشابه در سال قبل ۳۴۵ نفر می‌باشد. تعداد پناهیجویان ایرانی در ماه ژانویه تا اکتبر ۹۳، ۲۱۸۲ نفر ذکر شده که در مقایسه با سال ۹۲ حدود ۴۳ درصد کمتر است. بر اساس این آمار در سال گذشته از جمع ۱۳۸۳۴ ایرانی متقاضی پناهندگی ۴۴ درصد آنان موافقت شده است.

انتشار خاطرات ایرج اسکندری در ایران

موسسه ای بنام "مطالعات و پژوهشهای سیاسی" با نوشتن یک پیشگفتار خاطرات ایرج اسکندری را که قبلاً توسط حزب دموکراتیک مردم ایران منتشر شده بود، بنام خود در ایران در چهار فصل و هشت پیوست چاپ کرده است. نویسندگان پیشگفتار کتاب به بهانه آنکه در خاطرات چاپ شده توسط حزب دموکراتیک مردم ایران عین گفته‌های اسکندری بدون هیچ ویرایش به چاپ رسیده است، کتاب را بطور کامل "ویراسته" و "آزاد" سلیقه خود فصل بندی کرده‌اند.

صدور گذرنامه کامپیوتری

سرتیپ رضانی مدیر کل گذرنامه نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد که در حال حاضر علاوه بر تهران در ۲۲ شهرستان دیگر دریافت مدارک متقاضیان گذرنامه در راست و پیشنهاده تاسیس سرویس گذرنامه در ۴۷ شهر دیگر به مسئولان داده شده است. وی گفت روزانه سه هزار جلد گذرنامه در سراسر کشور صادر و تمدید می‌شود و با توجه به اینکه صدور گذرنامه در یک روز انجام می‌گیرد متقاضیان که نیاز و ضرورت برای داشتن گذرنامه ندارند نباید در اخذ گذرنامه عجله کنند.

۵۰ درصد حاملگی‌ها در ایران ناخواسته است

معاون پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایران در اولین کنگره سراسری و بازم آموزی بیماریهای زنان و مامایی اعلام کرد: طبق آمار ارائه شده در جهان از هر ۵ حاملگی یک مورد ناخواسته و بدون برنامه است که این آمار در کشور ما به میزان از هر ۲ حاملگی یک مورد می‌باشد. او همچنین گفت میانگین تعداد زایمان برای هر زن در جهان ۱۳/۴ اعلام شده است که این آمار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ۵/۵ در ایران ۱/۱ می‌باشد.

سفر بی نظیر بوتو به ایران

بی‌نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان که در انتخابات اخیر این کشور مجدداً به این سمت انتخاب شده است هفدهم آذرماه وارد تهران شد. وی قرار است که درباره مسئله کشمیر، سازمان همکاریهای اقتصادی (ا.ک.و) و دیگر مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکراتی با مقامات جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. وی قصد دارد در پایان دیدار و روز خود از ایران به ترکیه برود.

دیکتاتور اندونزی در تهران

سوها توریس جمهور اندونزی به قصد افزایش همکاریهای دو جانبه با رژیم جمهوری اسلامی وارد تهران شد. وی در این سفر "علی العطاس" وزیر خارجه این کشور همراهی می‌کند.

رفسنجانی در دیدار خود با سوهار تورا اشاره به جمعیت ۱۸۳ میلیونی اندونزی که ۸۸ درصد آنها مسلمان هستند گفت: مسائل جهان اسلام و منطقه ایجاب می‌کند که ایران و اندونزی تبادل نظر و همکاری بیشتری برای کمک به حل مشکلات کشورهای اسلامی به عمل آورند. سوهار تورا سالهاست که بطور غیرقانونی در کشور اندونزی حکومت می‌کند و در کشور صد ها هزار مردم این کشور دست داشته است. رژیم سوهار تورا مورد انتقاد شدید سازمانهای حقوق بشر قرار دارد. وی بار دیگر پیش از دیدار از جمهوری اسلامی، به سبک حاکمان تهران، همه این انتقادات را رد کرد.

توضیح

ادامه مقاله "بارد یگر از باورها" - نوشته رفیق امیرمبینی، که قرار بود در این شماره درج شود، بدلیل پاره‌ای اشکالات فنی در شماره آتی درج خواهد شد

علیه میراث کمال آتاتورک سینما و آئین اسلامی

تهیجی و احساساتی دارند، شیوه‌ای که بیش از همه زنان را جذب می‌کند. **Yalviz Degiliniz** (تنها نیستید-۱۹۹۰) فیلمی ساخته ماسوت اوچاکان "مسئله" حجاب در دانشگاه را مورد بحث قرار می‌دهد، مسئله‌ای که دولت سعی کرد آن را قدغن کند. فیلم جدید او **Klebeckler Sonsuz Ucar** پروانه‌ها به سوی ابدیت پرواز می‌کنند) تاریخ رسمی ترکیه را به نظر سؤال می‌کشد، تاریخی که به نظر فیلمساز یک دروغ است. داستان فیلم در مدت استیصال و بنیاد جمهوری لائیک در ترکیه پس از جنگ جهانی اول اتفاق می‌افتد. مردی عالم (هوجا) به خاطر باورها و همچنین مخالفتی با منعی که از سوی کمال آتاتورک در مورد گذاشتن کلاه‌های سنتی-سمبل تعلق به اسلام محروم شد، محکوم می‌شود. ضد کمالیسم در فیلم **Surgun** (تبعید-۱۹۹۲) ساخته "محمت تانریسه" نیز حاکم است.



"تنها نیستید" ساخته ماسوت اوچاکان.

اما این دو تولید در نهایت موفقیت امیدوار کننده‌ای در پی نداشتند. شاید به قول "نیجات آزون" منتقد فیلم، بدین خاطر که از ۱۹۸۵ این فیلمها برای مسائل پیچیده راه حل‌های ساده ارائه می‌دهند و ارزشهای مذهبی و رسوم کهنه شده برای داوری جامعه‌ای استفاده می‌کنند که در حال تغییر و تحول سریع می‌باشد.

به موازات این سینما، سینمای ترکیه با فیلمهای مؤلف (Auteur) که قبل از هر چیز مسائل فردی را مطرح می‌کنند چهره می‌گیرد و تحول می‌یابد. سوزه هانی که تا به حال نابود، مثل مسائل جنسی زنان، اکنون مورد بحث قرار می‌گیرد. در فیلم **Iki Kadin** (دو زن) ساخته "یاووز اوزکان" به مسئله روسپی‌گری و تجاوز پرداخته می‌شود. این فیلم جایزه بهترین فیلم ترک و بهترین کارگردانی را در جشنواره استانبول ۱۹۹۳ از آن خود کرد. در فیلم **Islık Cal** (اگر برگشتی سوت بزن) "اورهام اوگوز" دوستی یک بازن کوه‌نورد با فردی تراوستی را نمایش می‌دهد. (تراوستی به شخصی گفته می‌شود که در هیئت و رفتار جنس مخالف ظاهر می‌شود. در ترکیه بویژه در استانبول این موضوع مشهود است م.)

اکثریت مردم نه تولیدات سینمای سفید را می‌پسند و نه فیلمهای "سینمای مؤلف" را. در کشوری که در مدت ده سال ده هزار مسجد در آن ساخته شده، هزار سالن سینما تعطیل گردیده است. اکنون تنها ۲۶۰ سالن سینما برای شصت میلیون جمعیت ترکیه وجود دارد که از این تعداد نیمی در استانبول و ۱۵٪ در آنکارا قرار دارد.

"باهتر، پریشانی ملت ما آغاز شد. باهنر، مایه این پریشانی خاتمه خواهیم داد. در میانه‌ای که سه سال پیش از سوی بنیاد تحقیق اسلامی در ترکیه برگزار شد، روشنفکران بسیاری خواهان جلب سینما، تلویزیون و تئاتر شدند. سینمایی با ایدئولوژی و آئین اسلامی، از همان سالهای هفتاد، دوران اوج کوچ روستاییان به شهرها در ترکیه حضور داشت. "Milli" (سینمای ملی) با مخالفت با دو نوع سینما رشد کرد: یکی سینمای بی‌ارزش، گونه‌ای هالیوود دست دوم ترکی که بوسیله "سیل چام" تولید می‌شود، و دیگری سینمایی که از لحاظ اجتماعی و سیاسی چپ بود. زمانی که کارگردانان فیلمهای اجتماعی-سیاسی چپ تحت توجه "پلماز گونی" (فیلمساز و بازیگر فقید ترکیه که سالها زندانی بود و در جشنواره کان ۱۹۸۲ با فیلم **YOL** (راه) برنده جایزه نخل طلائی شد. سم) به

شکستن اسلوبهای تجاری سینما مبادرت می‌ورزیدند و بر معاصر بودن، واقع گرایی، ابتکار و اصالت بیشتر تأکید می‌کردند، گروه کوچکی به دور یوچل چاکماکلی گرد آمدند. این گروه سعی داشت تا از طریق فیلمهای مذهبی بخش سنتی مردم را جذب کند؛ فیلمهایی که ساختارشان همان ساختار فیلمهای تجاری بود اما پیامی مذهبی با خود داشتند.

در سال ۱۹۹۰، همان سالی که بالاخره سانسور اجازه بخش **Umüt** (امید-۱۹۷۰) ساخته یلماز گونی را داد، "یوچل چاکماکلی" کارگردانی فیلم **Minyeli Abdulla** را به پایان رساند. این فیلم از جنبه و مضمونهای مردمی مؤمن به اسلام سخن می‌گوید. موفقیت فیلم با ۵۳۰۰۰ تماشاگر خیزش سینمای مذهبی را در ترکیه نشان داد. تجارت پیشگانی چون "محمت تانریسه" و در این بخش سردمند سرمایه گذاری کردند. سالن سینمای بسیار مدرنی با ۶۵۰ صندلی در محله سنتی کاراگومروک استانبول ساخته شد تا به نمایش فیلمهای مذهبی بپردازد. آخرین موفقیت این بخش نیز در تابستان گذشته با نمایش مالکولم یکس "ساخته اسپیکلی" رقم خورد... "عبدالرحمان سن" روزنامه نگار اسلامی این موج را "سینمای سفید" نامید.

تماشاگران این نوع سینما را عموماً ساکنان آناتولی با ریشه‌ای روستایی که در حومه شهرها زندگی میکنند تشکیل می‌دهند. این افراد متعلق به جامعه‌ای هستند که تحت فشار دیوارگی روستائی نیمه شهری و سنتی‌رادیکال قرار دارد. فیلمهای این نوع سینما مضمونی تأثیری،

آیتما تف:

وقت آن است که به خود بنگریم!

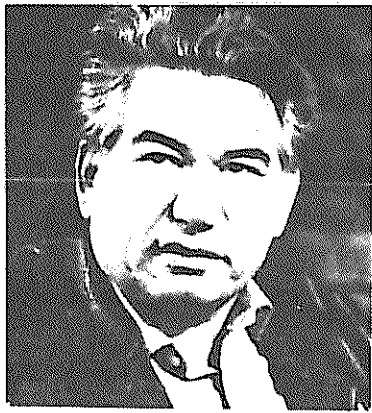
جنگگیر آیتما تف در ایران چهره‌ای آشناست. او که اهل قرقیزستان است با نوشتن رمان "جمیله" به معرفیتی جهانی دست یافت و سالها پیش رمانهایش جزء پرتیراژترین آثار جهان قرار گرفتند. از آیتما تف علاوه بر "جمیله"، رمانهای "سرگذشت مادر"، "کشتی سفید" و... به فارسی ترجمه شده‌اند.

آیتما تف گرچه در کتابهایش درون مایه‌هایی انسانی را پروراند و بسط می‌دهد، لیکن از نگاه نقل‌گرا نه و نفی آمیز نسبت به وضعیت، هنجارها و ارزش‌های موجود که از برترین رسالتهای هنری به شمار می‌رود، چندان اثری در آنها یافت نمی‌شود. همین ویژگی سبب شده بود که دست اندرکاران نظام شوروی پیشین روابطی مودت آمیز با وی داشته باشند و وی را به پست‌های کم و بیش مهمی بگمارند. اینکه سبکی به نام "رنالیسم سوسیالیستی" در هنر، تنها سبک مورد پذیرش دولتمردان شوروی پیشین بود و اینکه آیتما تف یکی از چهره‌های شاخص این سبک به شمار می‌رفت، موجب آن گشته که آثار وی پس از فروپاشی آن نظام به این یا آن میزان ارزش خود را از دست بدهند و یکسو نگری و کم رنگی دید نقدانه نسبت به معضلات و هنجارهای رایج انسانی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در آنها بیشتر به چشم بیاید.

گفتنی است که تحولات سالهای اخیر نقشش ورد خود را بر همه عرصه‌های آفرینش هنری و بر همه هنرمندان برجای گذاشته است، لیکن تأثیر بحران ناشی از این تحولات بر هنرمندانی که مدافع هنجارها، ارزشها و نهادها و رسمی و جا افتاده بوده‌اند، بیشتر و آزار دهنده تر است؛ هم از این روست که کسانی همچون آیتما تف هنوز هم خود را بازنیافته‌اند و آفرینش هنری‌اشان به رکود گرایده است. آیتما تف که از زمان گورباچف در سفر شوروی (و اینک روسیه) در لوگزامبورگ می‌باشد، در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه "فرایتاگ" برخی از جنبه‌های بحرانی کنونی در اندیشه و آفرینش هنرمندان شوروی و نیز علل وقفه در فعالیت نویسندگی خود... را باز گفته است، ترجمه بخشهایی از این مصاحبه از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

فرایتاگ (ف): حضور سنگین تلویزیون نیز همچون دیگر کشورها تأثیر زیانباری در این مورد داشته است. به هر طریق سینمای ملی نشان داد که در یافتن هویت ویژه خود ناتوان است: "سینمای سفید" سینمایی حاشیه‌ای است و "سینمای مؤلف" فیلمهایی برای جشنواره‌ها عرضه می‌کند. در اینجا نیز همچون سایر نقاط جای خالی با تولیدات بزرگی هالیوود پرمی‌شود، تولیداتی که آسودگی خاطر و تکنولوژی قوی را تقدیم تماشاگران می‌کنند، بی‌هیچ موعظه مذهبی و یا سخن پردازی روشنفکرانه‌ای.

گونول دومنز جولین لوموند دیپلماتیک اکتبر ۹۳ ترجمه: احمدیان



آنتونی برجس در گذشت

آنتونی برجس (Anthony Burgess) پژوهشگر، رمان نویس، منتقد، زیان‌شناس و موسیقیدان نامی انگلستان روز پنجشنبه ۲۵ نوامبر در لندن در گذشت.

آوازه جهانی برجس بیش از همه به رمان معروف او "پرتقال کوکی" مربوط می‌شود. این رمان که غیر انسانی‌ترین و بدترین نوع خشونت‌های روزگار ما را پیش چشم خواننده می‌گذارد، سال ۱۹۷۲ توسط استانی کوبریک، کارگردان آمریکایی به صورت فیلم درآمد، فیلمی که اینک یکی از آثار مطرح سینمای معاصر بشمار می‌رود.

برجس در سال ۱۹۱۷ زاده شد و پس از فارغ التحصیل شدن در رشته ادبیات انگلیسی به کار معلمی در مستعمرات انگلیس روی آورد. در سن ۴۱ سالگی به انگلیس بازگشت و اندکی بعد در نتیجه یک تشخیص اشتباه به وی گفته شد که غده بد خبیسی در مغزش پیدا شده و بیش از یکسال دیگر زنده نخواهد ماند. برجس بلافاصله هر گونه سیر و سیاحتی را به کنار گذاشت و ظرف یکسال با تلاشی شبانه روزی پنج رمان به رشته تحریر درآورد. از برجس بیش از سی رمان، بیست و چند کتاب نقد ادبی و چند مجموعه شعر و نمایشنامه و ترجمه و... برجای مانده است. برجس عضو گروه نویسندگان دائره المعارف بریتانیا بود و کتابهای تحقیقی‌اش در باره شکسپیر، جیمز جویس و آرنست همینگوی در برخی از دانشگاههای آمریکا تدریس می‌شوند.

برجس به لحاظ مذهب کاتولیک بود و در عرصه سیاسی خود را ژانگوییست می‌دانست. با اینهمه وی چه در رمانهایش و چه در اظهارات نظریاتش روحیه‌ای سرکش، عصیانگر و نوجورا به نمایش می‌گذارد. وی از انگلستان دلزده است و جوامعی را می‌پسندد که در آنها پویایی و چالش و ستیزه و کشمکش وجود داشته باشد. برجس بر آن است که در اوضاع و احوال سیاسی امروز تنها کاری که از دستمان برمی‌آید این است که مدام جرات پیدا کنیم (به شرطی که کارو زندگی‌مان را یکباره از دست ندهیم) تا بعضی قوانین‌اش سرپیچیم، تا نامزایر سئوالش ببریم و نسبت به آن بی‌اعتماد باشیم.

آوازه برجس در ایران بیش از هر چیز مدیون ترجمه شیوایی است که صدفرتقی زاده، مترجم توانای کشورمان از کتاب "۹۹ رمان برگزیده معاصر" او بعمل آورده است. این ترجمه که در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت، به معرفی نقد و نظر ارزو یابانه برجس نسبت به ۹۹ رمانی است که ظرف پنجاه سال گذشته در نیای انگلیسی زبان انتشار یافته‌اند.

شاید به برخی نقطه نظرهایی که برجس در کتاب مزبور طرح می‌کند بتوان خرده گرفت، لیکن این کتاب با توجه به فقر نقد ادبی و کمبود ارزیابی‌ها و بررسی‌های موشکافانه در کشور ما، اثر ارزشمندی است که هم به نویسندگان و منتقدان ما نکات مهمی را می‌آموزد و آنها را بیش از پیش با زیربوم رمان و شیوه نقد ادبی آشنا می‌کند و هم افراد کتابخوان را در درک بهتر رمان یاری می‌دهد.

مؤثرتر خودی نشان دهند. همایش‌ها، بحث‌های پارلمانی و سیاسی برای خود کاملاً مستقل شده و هر گونه پیوندی با واقعیت را از دست داده‌اند. در واقع سربزنگاه پشت میکروفون حاضر شدن و در لحظه مناسب جار و جنجال به راه انداختن در روسیه تبدیل به یک شغل و حرفه شده است. و همه این قبیل وقایع بلافاصله از تلویزیون بخش می‌شود. می‌توان گفت رشته کلام از رهگذر تکرار و نمایش (تلویزیونی)، حق موجودیت جدیدی یافته است. به دیگر سخن سیاست به ابزار جار و جنجال بدل شده است. ولی این شیوه زندگی نمری نداشته و چندان نمی‌باید. خشکی و سوز خوردگی از این وضعیت به زودی رخ خواهد نمود. یک انسان نمی‌تواند مداوماً و برای هر موقعیتی حرف و سخنی داشته باشد.

ف: شما بعنوان نویسنده چگونه با این اوضاع کنار می‌آید؟ آیا هنوز هم مطالعه می‌کنید؟ آیا باز هم خواهید نوشت؟

آ: من طبیعتاً در حال حاضر نمی‌توانم به سبک و سیاق سابق داستان بنویسم. اما همه چیز بر یاد نرفته است. شاید که در عرصه رشد و تکامل معنوی جامعه، ما به پایان یک دوره رسیده باشیم، اما بی‌شک، دوران جدیدی آغاز خواهد شد. تنها دوی نهایی در جهان وجود دارد. یکی ابعاد کیهان و دیگری روان و نیروی معنوی انسان؛ در این دو عرصه گاهی انسان ظاهراً به آخر خط می‌رسد، اما دوباره چیز غیر مترقبه و دور از انتظاری رخ می‌دهد و مادیواره وارد بعد نوین و ناشناخته می‌شود.

ف: آیا این بعد نوین می‌تواند به هنری فاقد ارزش منتهی شود؟

آ: ادبیات همیشه داستانی بوده که یکی برای دیگری نقل کرده است. این داستانها پایانی ندارند و مضمونشان پیوسته درباره یک انسان (خود داستان گو) می‌باشد.

ف: بنابراین شما هنوز یار و به رسالت والای کلام را از دست نداده‌اید؟

آ: در پاسخ به این سؤال بد نیست ماجرای را برایتان بازگو کنم. تقریباً یک نیمه قرن ما از محل دفن پدرمان اطلاعی نداشتیم (پدر آیتما تف سال ۱۹۳۷ در جریان پاک‌سازی‌های استالینی به قتل رسید. م.) تا اینکه سال ۱۹۹۱ با کشف یک گوردسته جمعی جسد پدر من نیز پیدا شد. همه چیز از لباس و اعضا گرفته تا... پوسیده شده بود، و تنها یک برگ کاغذ سالم مانده بود و آن هم اتهام نامه‌ای بود که به دست پدرم داده بودند. گویی که دست سرنوشت این سندر حافظ کرده بود تا ما از رهگذر آوازه‌های آن کالبد پدرمان را شناسایی کنیم. بازگو کردن این جریان گرچه برای تبیین ارزش و جایگاه والای کلام جنبه مجازی و استعاری دارد، لیکن به حد کافی رسا و روشنگر است.

فرایتاگ Freitag

شماره ۲۷-۳۵ اوت ۱۹۹۳

میدان انقلاب

سپیده تازه سرزده است. میدان انقلاب. نامی آشنا برای همه. آغاز و انتهای برای شروع و پایان انقلاب. زمانی مملو از جوانانی پر شور. با کله‌های داغ و بحث‌هایی آتشین. با هزاران آرزوی بزرگ. جوانانی که بسیاری اکنون در میان ما نیستند.

امروز با هم سری به میدان انقلاب می‌زنیم. از آغاز صبح، آنچه که بیش از همه به چشم می‌خورد، شلوغی و ازدحام جگمگ مردم است. هر کس با عجله به سوی می‌شتابد. آشنایی به سرعت به سلام می‌نگران از دیر رسیدن به محل کار. صف‌های بی‌پایان در انتظار اتوبوس همانند مارهایی در هر سوی میدان به آرامی پر روی زمین کشیده می‌شوند. در یک طرف خط ۱۰۲ و ۱۰۱ بسوی میدان امام حسین. آنسترا راه آهن و نازی آباد، و این سو میدان آزادی و کرج، آنطرف شمیران، سعادت آباد، فرح زاد و... گویی میدان انقلاب قلب تهران است. مسافران یا نگرانی به ساعت‌های خود نگاه می‌کنند. آیا به موقع خواهند

رسید؟ آیا مثل همیشه جان خواهند ماند؟ اتوبوس می‌رسد. هجوم انبوه جمعیت. آنها که خوش شانس ترند صندلی خالی گیر می‌آورند. در گوشه‌ای دعوا می‌شود. در گوشه دیگری کسی با صدای بلند وعده‌های دیشب دولتمردان در باره مهار تورم را به باد تمسخر گرفته است. و دیگری روی صندلی نیمه خواب دیشب را ادامه می‌دهد. خواب نه کابوس! خسته از کار دیشب و شب‌نخوابی و نگران از امروز و فردا. برای گرسنگان خانه چه خواهد کرد؟ تا کی می‌تواند با این نیروی مافوق انسانی تلاش کند. از پا نخواهد افتاد؟ اتوبوس با مسافرانی انباشته برهم تکان می‌خورد و در میان انبوه اتوبوس‌ها راهی برای خروج از میدان می‌یابد...

ساعت ۱۰ صبح. پیاده‌روها چنان انباشته از جمعیت است که نظاهرات سال ۵۷ را به یاد می‌آورد.

کوپن می‌خریم. کوپن باطل شده، باطل نشده، کوپن گوشت. کوپن برنج، روغن...

فاصله کوپن فروشها شاید به یک متر هم نمی‌رسد. ردیف

ایستاده‌اند. در تمام پیاده‌روها. بعضی‌ها مشغول معامله‌اند. چانه می‌زنند. زنی کوپنهای مجاله شده را در دست می‌فشارد، مرد است. برای فروششان پول بیشتری می‌خواهد. به توافق نمی‌رسد. راه می‌افتد. چند قدم انتظار، یکی دیگر جلویش را می‌گیرد. قیمتی که پیشنهاد می‌کنند کی بیشتر است. زن کمی دوروبرش را نگاه می‌کند. می‌داند که سرش کلاه می‌رود. ولی چه کند. تا کی به امید آن بنشیند که از توی رادیو، یا روزنامه‌ها کوپنها را اعلام کنند. بچه‌ها منتظر لقمه نانی هستند. کوپنهایش را می‌فروشد. کوپنهای یکساله گوشت، روغن، برنج، صابون... شاید تا چند روز غم‌ناک رانداشته باشد. و بعد؟ خدا می‌داند... در کنار کوپن فروشان، نوجوانان و حتی بچه‌های کوچکتر با صدای ریز و تیز داد می‌زنند:

نوراهای تازه، نوروز ۷۲، ای، شهرام، لیلای فرور، شهره...

آنستو مردی روستایی زیر گوش رهگذران نجوا می‌کند:

سیگار، سیگار وینستون، مالبرو...

در گوشه‌ای از میدان کسی بساط کوچکی پهن کرده. چند دست‌کت و شلوار کهنه در کنارش و انبوهی از لباسهای مستعمل در پشت سرش کود شده‌اند. یکی دارد به بچه‌ها پشمک می‌فروشد. آنستو ترانندگان مینی‌بوسها با فریادهای گوشخراش در پی جلب مسافرنند:

کرج، کرج درستی، بدوجا نمونی.

گناه، تک و توک دلار فروشانی که از لاله زار و کوچه برلن گذرشان بدین سوا افتاده، برسرقیمت دلاریا مشتریان جربو بحث می‌کنند.

بیکاری پنهان در این میدان بهتر از همه جا به چشم می‌خورد. انبوهی از مردم با شغل‌هایی کاذب که به هیچ درد نمی‌خورد و تنها نشانه بیماری اقتصاد است از این دست می‌دهند و از آن دست می‌گیرند تا روزی را به شب برسانند. در میانشان همه جور آدم پیدا می‌شود. تحصیل کرده و نکرده، شهری و روستایی، بیرو جوان و انبوه نوجوانانی که اکنون باید در کلاسهای درس نشسته باشند.

میدان انقلاب. میدان پیکار و علم. میدان دانشگاه تهران، امروز به میدان کوپن فروشها و سیگار فروشها تبدیل شده است.

بعد از ظهر: ازدحامی در گوشه میدان. دعوای شده است. بر سر چه؟ دلیل لازم نیست. بهانه‌ای کوچک کافی است تا مردم عصبی و خسته را به جان هم بیاندازد. این منظره‌ها را در تهران بسیار میتوان دید. مردم خسته و عصبی و نسبت به هم سخت گیر و بی‌گذشت شده‌اند.

گویی این شعر "اخوان" بیش از همیشه صدق پیدا کرده است:

بلی، هیچ است و دیگری هیچ

تو ای غمگین با هر چیزی

هر کس قهر

گریزان از طلایی با مداد شاد و

شته‌ی شهر

بدین میخانه رنج بیابان کرده

تنها کوچ

بلی هیچ است و دیگری هیچ

و گز هیچ باشد، پوچ

فشار زندگی را در گوشه و کنار

تهران بیشتر از هر جای دیگری می‌توان

دید. تهرانی که بر اثر ازدحام

جمعیت در حال انفجار است و

بدرستی معلوم نیست چند میلیون نفر

را در خود جای داده است و میدان

انقلاب برش کوچکی از تهران بزرگ

است.

مرغهای پرکنده را کنار پیاده‌رو

به ردیف چیده‌اند. کیلویی ۲۸۵

تومان.

خیلی گرونه آقا!

چی گرونه. گوشت شده کیلویی

۵۰۰ تومان!

بعضی دست به جیب می‌برند و

دانه‌ای می‌خرند. بعضی‌های دیگر

دست به جیب می‌برند اما پشیمان

می‌شوند. و نمی‌خرند. اکثریت

رهگذران اما تنها نگاه می‌کنند و

می‌گذرند. دخترکی چند ساله با

لباسی مندرس، دستش را جلوی

ماشینی می‌گیرد و پول می‌خواهد.

یکی دیگر با اصرار و سماجت

میخواهد آدمسپایی را که توی دست

گرفته بفروشد. ناله و فریاد و

درخواست این کودکان خردسال از

فایده‌ای ندارد. از ایستگاه اتوبوس

خارج می‌شوم و در مسیر تا کسی‌ها

می‌ایستم. بعد از ۱۵ دقیقه یکی

گیرم می‌آید. دنباله بحث‌های توی

ایستگاه اتوبوس را با خود ادامه

می‌دهم: "چرا در مملکت ما برای

برنامه‌ریزی و حرکت در راه

اصلاحات اساسی از همه فکرها

استفاده نمی‌کنند؟ چرا هر گروهی که

می‌آید سعی در قبضه قدرت به معنای

کامل کلمه دارد؟ چرا به خود اجازه

می‌دهند که دیگران را از فکر کردن و

نظر دادن محروم کنند؟ اگر جز این

بود، حالا کشور ما چه شکل و

شما پبلی داشت؟

به محل مورد نظر می‌رسم. ۸

تومان پول تا کسی می‌دهم. مسیری

که تا چند سال قبل ۳ تومان بود. راه

که می‌افتم چشمم روی شیشه

مغازه‌ها می‌گردد. عادت کرده‌ایم

توی خیابان که راه می‌رویم، دنبال

شماره کوپن‌هایی بگردیم که اعلام

شده و روی شیشه مغازه‌ها

چسبانده‌اند. وقتی کوپنی را اعلام

می‌کنند، اگر شانس آوردی و در

همان روزهای اول تهیه کردی که

هیچ، و گرنه آن جنس جن می‌شود و تو

بسم الله... اعلانی روی شیشه

مرغ فروشی نظرم را جلب می‌کند:

"مرغ کیلویی ۱۷۰ تومان" با خودم

حساب می‌کنم، ظهر موقع برگشتن

یک دانه بخرم.

توی خانه‌ای که کار می‌کنم،

تنها هستم. فکرم یک جا بند

نمی‌شود، مثل همیشه مشکلات

بی‌شمار شخصی‌هایی را برای

فکرهای دیگر باقی نمی‌گذارد. با

این وضع بی‌ثبات چطور می‌توانم

دنبال برنامه‌های اساسی‌تر زندگی

بروم. چند وقتی است مادرم زیر پایم

نشسته که: تا کی می‌خواهی

همین جور بنشین توی خانه. توهم

بجنب تا بروم در خانه کسی را برایت

بزنم. پیش از این او کاری به کارم

نداشت، اما از وقتی چند نفر از

جوان‌های محل مان را به خاطر

"کارهای منکراتی" به کمیته بردند و

شلاق زدند، چشمش ترسیده

است.

موقع برگشت جلوی

مرغ فروشی توقف کردم، ولی تعطیل

اعلانی که به شیشه‌اش

چسبانده بود رقم ۱۷۵ را نشان

می‌داد. به خودم لعنت کردم که چرا

همان صبح نخردم. با هزار درد سر

خود را به خانه رساندم. چون ظهر

هم مثل صبح گیر آوردن وسیله نقلیه

مشکل است، با این تفاوت که مشکل

دیگری هم بر آن اضافه می‌شود و آن

اینکه همه خسته هستند و اعصابی

تحریک شده‌اند. مسایل ساده،

مشا جرات لفظی شدید و حتی

برخوردهای فیزیکی به دنبال

می‌آورد. همه تحمل خود را از دست

داده‌اند.

بعد از ظهر پس از اندکی

استراحت دوباره راهی محل کارم

شدم. تا بلومرغ فروشی عدد ۱۸۰ را

نشان می‌داد. از خرید آن منصرف

شدم. با خودم حساب کردم: "شاید

با همان سرعتی که بالا رفته، پائین

بیاید. و در دل به این خوش خیالی

خودم خندیدم و این درست بود.

شب قیمت به ۱۸۵ تومان رسیده بود و

مطمئن بودم که فردا صبح از ۱۹۰

تومان کمتر نخواهد بود. به خودم

دلدارای دادم: "به من چه! حالا که

من نمی‌توانم بخرم، دیگر چه فرقی

دارد.

از شادی صبح در من اثری نبود.

نمی‌دانستم به وضع آشفته و آینده

تاریک خودم افسوس بخورم یا به

حال کشور مردمی که قایق در حال

غرق شدن را می‌مانند. انگاری یکی

به صورت انفرادی یا گروهی مشغول

استعمال آن هستند. در این میان

عده‌ای به کشیدن هروئین و عده‌ای

مبارزه با فساد و فحشاء فشارهای

بیشماری را بر مردم، بویژه زنان و

جوانان وارد می‌آورد، اما این گونه

پدیده‌های دردناک و غیر انسانی‌نه

تنها از جامعه ما رخت برنسته و

محدود نشده، بلکه سیاستهای

حاکم به آنها ادامه و ابعاد

فاجعه‌باری داده است. فقر از یکسو

و جامعه بسته‌ای که پاسخگوی هیچ

یک از نیازهای طبیعی مردم و

بخصوص جوانان نیست، سد منشا

مسائلی هستند که سلامت جامعه

ما را تهدید می‌کنند. کسانی که خود

در پدید آوردن این مسائل سهمیم و

مقصرند، می‌گویند تا آنها را هر چه

بیشتر از پدیده‌ها پنهان سازند. بولتن

محرمانه‌ای که خبرگزاری جمهوری

اسلامی برای مقامات حکومتی

می‌فرستد، هرازگاه گوشه‌هایی از

زندگی دردناکی را که در اعماق

جامعه ما جریان دارد، برای

کارگزاران رژیم بازگو می‌کند.

گزارش زیر، در بولتن محرمانه

خبرگزاری جمهوری اسلامی درج

شده است:

"در ابتدای خیابان راهیما که از

خیابان کارگر جنوبی منشعب می‌شود

و چند صد متر با میدان گمرک فاصله

دارد یک تابلوی پارچه‌ای با مضمون

منطقه ممنوع تردد و عبور افغانه به

چشم می‌خورد، لذا در سراسر این

خیابان هیچ فرد افغانی دیده

نمی‌شود. با ورود به داخل خیابان

راهیما بتدریج معنادانی در حاشیه

خیابان و کوچه‌ها به چشم می‌خورند

که بطرز رفت‌واری نشنگی پس از

استعمال مواد مخدر در حال چرت

و خواب در زیر آفتاب صبحگاهی

سپری می‌کنند.

خیابان راهیما و خیابانهای

فرعی آن چون حاج عبدالمحمود و

جلالوند و کوچه‌های باریک آن مملو

از معنادانی است که پس از تهیه مواد

به صورت انفرادی یا گروهی مشغول

استعمال آن هستند. در این میان

عده‌ای به کشیدن هروئین و عده‌ای

مبارزه با فساد و فحشاء فشارهای

بیشماری را بر مردم، بویژه زنان و

جوانان وارد می‌آورد، اما این گونه

پدیده‌های دردناک و غیر انسانی‌نه

تنها از جامعه ما رخت برنسته و

محدود نشده، بلکه سیاستهای

حاکم به آنها ادامه و ابعاد

فاجعه‌باری داده است. فقر از یکسو

و جامعه بسته‌ای که پاسخگوی هیچ

یک از نیازهای طبیعی مردم و

بخصوص جوانان نیست، سد منشا

مسائلی هستند که سلامت جامعه

ما را تهدید می‌کنند. کسانی که خود

در پدید آوردن این مسائل سهمیم و

مقصرند، می‌گویند تا آنها را هر چه

بیشتر از پدیده‌ها پنهان سازند. بولتن

محرمانه‌ای که خبرگزاری جمهوری

اسلامی برای مقامات حکومتی

می‌فرستد، هرازگاه گوشه‌هایی از

زندگی دردناکی را که در اعماق

جامعه ما جریان دارد، برای

کارگزاران رژیم بازگو می‌کند.

گزارش زیر، در بولتن محرمانه

خبرگزاری جمهوری اسلامی درج

شده است:

"در ابتدای خیابان راهیما که از

خیابان کارگر جنوبی منشعب می‌شود

و چند صد متر با میدان گمرک فاصله

دارد یک تابلوی پارچه‌ای با مضمون

منطقه ممنوع تردد و عبور افغانه به

چشم می‌خورد، لذا در سراسر این

خیابان هیچ فرد افغانی دیده

نمی‌شود. با ورود به داخل خیابان

راهیما بتدریج معنادانی در حاشیه

خیابان و کوچه‌ها به چشم می‌خورند

که بطرز رفت‌واری نشنگی پس از

استعمال مواد مخدر در حال چرت

و خواب در زیر آفتاب صبحگاهی

سپری می‌کنند.

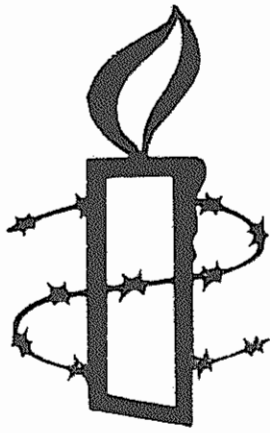
خیابان راهیما و خیابانهای

فرعی آن چون حاج عبدالمحمود و

جلالوند و کوچه‌های باریک آن مملو

به مناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر

حقوق بشر و مسئولیت سازمان ملل متحد



دست چندم در میان مسائل بین المللی تلقی شده است. رسیدگی به حقوق بشر در جهان کمتر از یک درصد بود چه سازمان ملل را به خود اختصاص داده است. مرکز حقوق بشر سازمان ملل در ژنو فقط ۷۲ کارمند دائمی و ۳۰ همکار غیر دائمی دارد که حتی در مقایسه با تشکیلات عفو بین الملل هم یک اداره بسیار کوچک محسوب می شود. کارمندان عفو بین الملل ۴۰۰ نفر بیشتر است. در زمینه حقوق بشر سازمان ملل امکانات ضروری را بکار نگرفته و از تشکیلات و سیستم اداری مناسب و پاسخگو برخوردار نیست.

در آستانه برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر که در ماه ژوئن گذشته در وین پایتخت اتریش برگزار گردید، ایده تشکیل یک دادگاه جنائی بین المللی و نهاد ضابط آن برای رسیدگی به جرائم افراد و دولتها در زمینه نقض حقوق بشر و نیز تعیین یک کمیسیون ویژه در زمینه حقوق بشر همانند آنکه سازمان ملل در زمینه امور پناهندگان دارد، مطرح بود. این ایده ها بصورت پیشنهاد به کنفرانس بین المللی حقوق بشر وین ارائه گردید. اما تلاش برای تاسیس دادگاه بین المللی حقوق بشر به نتیجه نرسید و حتی ضرورت ایجاد کمیساری عالی حقوق بشر نیز تا آخرین ساعات کار کنفرانس مورد مخالفت بود. کنفرانس آخر سر تنها به این بسنده کرد که سازمان ملل همواره یک مسئله فرعی

جهان یاد شده است و همه دولتهای عضو سازمان ملل پای این سند را امضاء کرده و متعهد و ملزم به رعایت و اجرای آن در همکاری با سازمان ملل متحد شده اند.

جامعه جهانی با تصویب چنین سندی در آن زمان، گامی بزرگ در پاسداری از شأن و حرمت انسان برداشت و انتشار این منشور نهیب بلند و رسائی بود که علیه تجاوز به حقوق انسانها در سراسر جهان بصدا درآمد، ولیکن تصویب این اعلامیه در مجمع عمومی سازمان ملل منجر به آن نشد که مفاد اعلامیه حقوق بشر در کشورهای عضو سازمان به اجرا درآید. امروز پس از گذشت نزدیک به نیم قرن از تصویب اعلامیه، نقض حقوق انسانی و تجاوز گریها و هتک حرمت انسان از سوی قدرتمندان حاکم بحدی است که می توان گفت از ۴۵ سال پیش بدینسو چندان چیزی فرق نکرده است. این وحشی گریها علیه حقوق انسانها در تمام موارد از سوی دولتها و قدرتهای صورت می گیرد که پای منشور حقوق بشر را مهر تایید گذاشته و متعهد به رعایت آن بوده اند. سازمان ملل در اکثرین موارد یا واکنشی از خود نشان نداده است و یا اگر مواردی کار به تحقیق و بررسی انجامیده، نتیجه چیزی یک قطعه نامه فاقد هرگونه پشتوانه اجرائی، نبوده است.

از هنگام تصویب اعلامیه حقوق بشر تا کنون مسئله حقوق بشر برای سازمان ملل همواره یک مسئله فرعی

دوم دسامبر سالروز تصویب و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ۴۵ سال پیش در چنین روزی ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نمایندگی از جامعه جهانی بمنظور برسمیت شناختن حقوق ذاتی و خدشه ناپذیر همه افراد بشر و با هدف تأمین این حقوق منشوری را تصویب کرد که بنابر مفاد آن هر انسانی بدون هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر اعتقادات با هر منشأ ملی یا اجتماعی و یا هر موقعیتی به لحاظ مالکیت و نسب، حق دارد از آزادی های مصرحه در این اعلامیه برخوردار باشد. آزادی عقیده و بیان - آزادی مذهب و وجدان، برابری در برابر قانون، آزادی اجتماعات و انجمن ها و حق مشارکت یا عدم مشارکت هر فرد در آنها، حق انتخاب محل سکونت، حق کازو حق انتخاب آزادانه شغل، حق برخورداری از امنیت، حق پناهندگی بخاطر تحت پیگرد بودن و... از جمله حقوق و آزادیهای است که اعلامیه حقوق بشر در مواد ۳۰ گانه خود بر آنها تاکید دارد.

انگیزه و نقطه عزیمت تدوین کنندگان این سند در مقدمه آن به روشنی بیان شده است: "بی احترامی به حقوق بشر و خدشه دار کردن آن به وحشی گریهای منجر شده که وجدان انسانی را عمیقاً جریحه دار ساخته است.

در مقدمه اعلامیه حقوق بشر هم چنین از مفاد آن و از حقوق انسانی که در آن تصریح شده است، بعنوان بنیاد آزادی، عدالت و صلح در

عفو بین الملل می گوید در زونوم دستورالعملی برای رسیدگی به موارد اضطراری وجود ندارد و گاه ماهها طول میکشد که یک مسئله عاجل فرصت طرح در جلسه کمیسیون را بدست آورد. برای استقرار ناظرین دائمی حقوق بشر در کشورهایی که زیر نظارت ویژه قرار دارند نیز هیچ دستورالعمل معینی وجود ندارد.

عفو بین الملل پیشنهاد می کند امر حقوق بشر از زیر منگنه مجمع عمومی سازمان ملل خارج شود و ام امور مربوطه زیر نظر یک کمیسیون عالی، مستقیماً و با اختیارات وسیع عمل میکند، متمرکز شود و کلیه واحدها، کارشناسان، گزارشگران ویژه و کارمندان دائمی سازمان ملل در زمینه حقوق بشر تحت اختیار وی قرار میگیرند.

توانایی سازمان ملل در پاسخگویی به مسئولیت خویش در برابر آنچه که ۴۵ سال پیش به تصویب رساند بطور جدی بستگی به این دارد که به نظرات و پیشنهادات فوق جامعه عمل به پوشاندن. مقاومتی که در برابر این پیشنهادات از جانب دولتهای ناقض حقوق بشر از جمله رژیم جمهوری اسلامی در کنفرانس بین المللی حقوق بشر وین بعمل آمد، مانع از تصویب آنها گردید. بنابراین کوشش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دیگر سازمانهای مدافع حقوق بشر باید متوجه رفع این موانع و تشدید فشار بر دولتهای متجاوز به حقوق بشر برای پذیرش خواست جامعه جهانی گردد. بیکار آزاد یخواهان و همه مدافعان حقوق بشر در سرتاسر جهان نقش مهمی در این کوششها دارد.

تأمین حقوق انسانی همه افراد بشر در سراسر جهان باید متوجه رسیدگی جدی به مسئله حقوق بشر از جانب سازمان ملل متحد از طریق ایجاد تشکیلات و مکانیزیم های مؤثر کنترل باشد. در این زمینه سازمان عفو بین الملل کامل ترین طرح پیشنهادی را دارد. عفو بین الملل در گزارشی که در آستانه کنفرانس وین به کنفرانس تدارکاتی استراسبورگ ارائه داده بود می گوید: کمیسیون حقوق بشر زونوم رئیس آن دارای اختیارات محدودی است و اگر بخواهند برای تحقیقات خود را اقدام کنند با موانع و مشکلات بسیار مواجه می شوند. بعنوان نمونه عفو بین الملل به این واقعه اشاره می کند که رئیس هلندی کمیسیون حقوق بشر در سال ۸۲، وقتی که تحقیقات ابتکاری پیرامون وضع حقوق بشر در قاره امریکا را آغاز کرد، زیر فشار و در اثر مخالفت دولت امریکا کار گذاشته شد.

عفو بین الملل معتقد است استقرار محل کمیسیون در ژنو عملاً باعث شده است که مسئولیت سازمان ملل در عرصه حقوق بشر به حاشیه رانده شود و از حضور مقامات سطح بالای کشورها و سازمان ملل و ارتباط مستقیم با آنها عملاً محروم بماند. در چنین شرایطی دولت هادر بسیاری موارد تقاضای کمیسیون حقوق بشر در مورد باز بد از کشورها را پشت گوش می اندازند و یا توصیه های آنرا به هیچ می گیرند.

اولیت به ایجاد این نهاد پدیدار شد. این در حالی بود که اجلاس وین تنها دومین کنفرانس بود که سازمان ملل پس از ۲۵ سال در زمینه حقوق بشر برپا کرده بود و حیث انتظار می رفت بخشی از نقایص کار سازمان ملل در زمینه رسیدگی به وضع حقوق بشر را مرتفع نماید. پاسکال می گفت "عدالت بدون زور غیر عملی است و زور بدون عدالت توحش است". اگر رفتار عادلانه با انسان "حق" است، برای بدست آوردن آن لا جرم باید به اهرم اعمال زور مجهز بود. اگر قرار باشد سازمان ملل به مسئله حقوق بشر و چگونگی رعایت آن از جانب دولتهای عضو رسیدگی کند باید برای وادار ساختن خاطیان و سایل ضروری بوجود آورد.

امروز این واقعیت بیش از پیش آشکار می شود که یک بخش مهم مبارزه آزاد یخواهان و مدافعان

گسترش یافته است. این اعتراضات هنوز در ابتدایی ترین اشکال خود باقی مانده و از خواسته هایی که جنبش دانشجویی طی دوره های گذشته دنبال می کرد، بسیار دور است. با این همه، هم این اعتراضات پراکنده و هم روحیه اعتراضی موجود در جامعه، این موضوع را با حاد شدن بیشتری در برابر دانشجویان پیشرو قرار می دهد که چگونه می توان جنبش دموکراتیک دانشجویی را مطابق نیازها و شرایط امروز احیا کرد و آنرا در خدمت اهدافی قرار داد که تسلیحی بسیاری از دانشجویان در راه آنها بیکار کرده اند.



اتحاد. مبارزه. پیروزی

اعتراض و نرسد های اعتراضی دیگر داد. بدلیل فرق دانشجویان نتوانستند مقاومت مؤثر و در خوری در برابر فجا یعی که رژیم دردانشگاهها بیار آورد سازمان دهند. در سالهای اخیر، همراه با رشد روحیه اعتراضی در جامعه، فضای دانشگاهها نیز دستخوش تغییر شده و اعتراضات دانشجویی بندریج

گراهی یاد چهلمین سالگرد ۱۶ آذر. روز دانشجو

روز دانشجو، سمبل پیکار دانشجویان در راه آزادی، عدالت و پیشرفت

وقفه و رفتار ارتجاعی انجمن های اسلامی، دلزدگی از سیاست ودوری از آن گسترش یافت و دانشگاهها نقش خود را بعنوان مراکز فعال سیاسی از دست دادند. مخالفت و تنفر دانشجویان از رژیم بجای جاری شدن در مسیر منطقی و سالم مبارزه سیاسی و صنفی آگاهانه و منسکلی، جای خود را به اشکال فردی

ساخت و از این موضوع تمام بخش های اقتصادی - اداری و تولیدی جامعه لطمات فراوانی دیدند.

دانشگاهها بدلیل اخراج و تصفیه گسترده تمامی فعالین دانشجویی و سرکوب شدید، در رکود سیاسی و فرهنگی یسابقه ای فرو رفت. بدلیل سرکوب، تبلیغات بی

شازدهم آذر امسال، چهلمین سالگرد پورش نیروهای مسلح رژیم شاه به دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ است. این پورش بدنبال اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به سفر ریچارد نیکسون معاون وقت رئیس جمهوری آمریکا، کشوری که طرح ومجری مستقیم کودتای ۲۸ مرداد بود، صورت گرفت و در جریان آن ۳ تن از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران بنام های شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا (هواداران حزب توده ایران و جبهه ملی) به شهادت رسیدند. دانشجویان، ۱۶ آذر را به عنوان روز دانشجو برگزیدند و هر سال بدین مناسبت با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی علیه اختناق و دیکتاتوری، اعتراضات گسترده ای را ترتیب دادند. به مرور ۱۶ آذر سمبل پیکار دانشجویان علیه دیکتاتوری و تمهد دانشگاهها در برابر مردم و جامعه بدل شد. در طی این سالها، دانشگاهها و جنبش دانشجویی فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشتند. رژیم شاه از یکسوی فراهم کردن امکانات ویژه رفاهی و تفریحی برای دانشجویان و از سوی دیگری کمک نیروهای پلیس و بعد تر "گارد دانشگاه" و بازداشت و شکنجه و اعدام دانشجویان مبارز کوشید دانشگاهها را آرام کند و آنها را از فعالیت سیاسی دور نگاهدارد. اما رژیم شاه هرگز به این هدف دست نیافت. دانشگاهها به ویژه از سال ۱۳۵۰ به بعد و همزمان با آغاز مبارزه مسلحانه چریکی، به یکی از فعالترین مراکز سیاسی کشور بدل شدند و نقش بزرگی در مبارزه با استبداد پهلوی و در جریان انقلاب بهمن بازی کردند.

جنبش دانشجویی با برخورداری از محیط پر تحرک سیاسی دانشگاهها نه تنها در مبارزه مستقیم علیه دیکتاتوری، بلکه در تغذیه جنبش سیاسی مخالف رژیم بسیار مؤثر بود. بخش بسیار بزرگی از رهبران و کادرهای احزاب و سازمانهای سیاسی از درون این جنبش زاده شدند. همین وضعیت در مورد کادر

خواست دانشجویان ایجاد تشکلهای واقعی دانشجویی است

پشت این سیاست هر هدفی نهفته باشد، بهمان نسبت که به اجرا آید میتواند موقعیت مناسبتری نیز برای دانشجویان فراهم سازد تا در راه کسب حقوق صنفی و اتحادیه ای و ایجاد تشکلهای مستقل خود را احیا کنند. برپایی انجمن ها و اتحادیه های دانشجویی برای تحقق خواسته های دانشجویی نقش بسیار بزرگی دارد. دانشجویان تا زمانی که قادر نباشند به اشکال مناسب و منعطف زمینه های تشکلهای دانشجویی را فراهم آورند، نمی توانند بطور مؤثر از حقوق صنفی و سیاسی خود دفاع کنند و از همین روی جستجوی راههای مناسب تشکیل یکی از مهمترین وظایف آنهاست. شرایط موجود در جامعه در رشد شدید روحیه اعتراضی در توده های مردم، گسترش اعتراض نسبت به حکومت در صفوف دانشجویان و وجه رقابت شدید در بین نیروهای وابسته به حکومت دردانشگاهها، عوامل مناسبی جهت ایجاد شکاف در فضای اختناق حاکم بر دانشگاهها فراهم میاورند. از هر فرصت و از هر امکانی در این جهت برای پایه ریزی تشکیلات واقعی دانشجویی میتوان استفاده کرد.

خواست دانشجویان ایجاد تشکلهای واقعی دانشجویی است

ارگانهای مؤثر رژیم بر آنها تا حدودی از بین رفته و از سوی دیگر گرایشات تازه ای در بین شان رشد کرده و هواداری از اندیشه های متفکرین اسلامی مورد غضب رژیم نظیر شریعتی و سروش در آنها بالا گرفته است. برنامه وزارت آموزش عالی برای دخالت مستقیم در امر تشکیلات سازی دردانشگاهها، در اساس متوجه مهار و از میان برداشتن باقیمانده قدرت انجمن های اسلامی مخالف و در کنار آن جذب دانشجویان ناراضی در تشکلهای تازه بنیاد تحت کنترل است. این هدف چنان آشکار است که بلافاصله بعد از اعلام وزارت آموزش و پرورش، انجمنهای اسلامی به واکنش علیه آن برخاستند و روزنامه سلام مخالفت ضمنی خود با این سیاست را بیان داشت. واقعیت این است که در اقدامات احتمالی دولت برای ایجاد تشکلهای تازه دانشجویی هیچ هدف نیکی نهفته نیست و مسئولان رژیم از یکسو در فکر جلب نارضایتی دانشجویان در مسیرهای کنترل شده و از سوی دیگر در فکر وارد آوردن ضربه نهایی بر قدرت جناح مخالف خود در دانشگاهها هستند. اما در

خواست دانشجویان ایجاد تشکلهای واقعی دانشجویی است

جاسوسی و معرفی دانشجویان و استادان خاطی بدر سطح به ارگانهای امنیتی و مقامات دانشگاهها اوظایف اصلی آنها بود. انزوی روز افزون رژیم و نفرت فزاینده نسبت به عملکرد ارتجاعی انجمن های اسلامی، این انجمنها را دردانشگاه به تدریج منزوی ساخت و توان آنها را در اجرای وظایفشان به شدت کاهش داد. پس از مرگ خمینی، قدرت گیری جناح محافظه کار اسلامی و تشدید اختلاف در میان جناحهای حکومتی، انجمنهای اسلامی نیز دچار شکاف و انشعاب شده و بیش از پیش ناتوان شدند. تشکلهای اسلامی هر چند نفوذ خود در دانشجویان را به میزان بسیاری از دست دادند، اما بدلیل برخورداری از امکانات و اهرمهای ویژه قدرت هم چنان بعنوان نهاد هایی مؤثر در دانشگاهها باقی مانده اند. این انجمنها کماکان به میزان زیادی تحت نفوذ و سیطره نیروهای تندرو هستند، و به ویژه طی سالهای اخیر دچار تغییرات چشمگیری شده اند که نباید نادیده گرفته شود. انجمن های اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت، از یکسو و بندریج به موضع مخالفت با دولت و سیاستهای حاکم رانده شده اند و کنترل

خواست دانشجویان ایجاد تشکلهای واقعی دانشجویی است

وزارت آموزش عالی در اوایل ماه گذشته وعده داد که موانع ایجاد تشکلهای دانشجویی بر طرف شده و دانشگاهها میتوانند طبق ضوابطی که از سوی این وزارتخانه اعلام شده، به ایجاد تشکلهای دانشجویی اقدام کنند. هر چند ضوابط مورد استناد وزارت آموزش عالی بطور دقیق اعلام نشده است، اما هم از سیاست های عمومی حاکم بر دولت و هم از گفته های معاون وزارتخانه پیداست که تشکیلات دانشجویی مورد اشاره، کماکان در چارچوب حکومتی محدود هستند و تشکلهای دیگر مورد نظر نیست. پس از سرکوب جنبش دانشجویی در سال ۶۰، انجمن های اسلامی بعنوان تنها تشکیلات دانشجویی یکه تاز دانشگاهها شدند. این انجمنها بدلیل نقشی که برعهده داشتند، هیچ گاه نتوانستند، بیانگر خواسته های دانشجویان ایران باشند. آنها نه تشکیلات دانشجویی، بلکه ارگانهایی حکومتی در درون دانشگاهها بودند و وظیفه پیشبرد سیاستهای حکومت دردانشگاهها را دنبال می کردند و بدلیل دشمنی رژیم با دانشجویان از همان ابتدا به ارگانهای سرکوبگری بدل شدند که

خواست دانشجویان ایجاد تشکلهای واقعی دانشجویی است

نتایج انقلاب فرهنگی و تدویم سیاستهای حکومت در مورد دانشگاهها فاجعه بار بود. سطح علمی دانشگاههای کشور به نحو جبران ناپذیری سقوط کرد. مراکز علمی، محل اشاعه خرافات دینی شدند. اختناق از حوزه سیاست فراتر رفت و حوزه علم را نیز دربر گرفت. در طی چند سال مراکز دانشگاهی کشور، سالها از دستاوردهای علمی و فنی در کشورهای دیگر عقب ماندند. هم تعطیلی دو ساله دانشگاهها و هم ضربات وحشتناک به سطح علمی مراکز آموزش عالی، پرورش کادرهای متخصص و آموزش دیده را با دشواریهای عظیمی روبرو

به مناسبت بیست و پنج سالگی کلوپ رم

انقلاب عموم بشری، یگانه راه برون رفت از این بست

قسمت اول

برگردان از: امیر برادری

آوریل ۱۹۶۸ در گرما گرم خیزش های عمومی و دانشجویی در اروپا و در هنگامه ای که یک دوره از تاریخ پس از جنگ جهانی دوم به پایان خود می رسید، جمعی از دانشمندان، کارشناسان و رجل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان به دور از هیاهو در رم گرد آمدند تا به بررسی پی آمد های رشد شتابان اقتصادی و صنعتی شمال در دوران پس از جنگ، عقب ماندگی جنوب و ارزیابی روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سال های آتی بپردازند.

در دهه هفتاد محافل اقتصادی و سیاسی غرب سر مست از پیشرفت های اقتصادی جوامع خود نه می خواستند و نه می توانستند بحران ها و پی آمدهای اجتماعی و محیط زیستی ناشی از این شیوه پیشرفت را مورد توجه قرار دهند. در واقع در آن هنگام خطر به پایان رسیدن منابع و ذخایر طبیعی، تخریب محیط زیست، رشد بی رویه جمعیت جهان و... برای محافل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نیز نزد افکار عمومی مسئله ای بی اهمیت و فاقد پشتوانه علمی تلقی می شد. حتی نیروی چپ نیز در مجموع خود کم تر به این مسائل می اندیشید. هدف عمده این نیرو نیز پیشبرد همان شیوه رشد منتها با تأکید بر جنبه های انسانی و عدالت جویانه بود. تخریب بی محابای طبیعت، به کار گرفتن نسنجیده و پیر ریخت و پاش ذخایر و منابع طبیعی، تأکید بر گسترش نیروگاه های اتمی و... در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی، بخشی از پی آمدهای برنامه اقتصادی چپ حکومت گریه که به طبیعت زیست بوم انسان کم تر توجه می کرد و امکانات و ظرفیت های طبیعت را بی کران و نامحدود می پنداشت. در گردهم آئین رم که بعد ها به نام "کلوپ رم" (Rom Club) شهرت یافت، به یک پرفسور آینده پژوه به نام "دنيس سال-مدوز" مأموریت داده شد که به اتفاق تیم خود در انستیتو تکنولوژی ماساچوست و با کمک تکنیک های پیشرفته کامپیوتری یک شماری عمومی از روندهای رشد و توسعه آتی جهان ارائه دهد. از مجموعه اسناد و مدارک مربوط به این پژوهش کتابی تهیه شد به نام "مرزهای رشد" که انتشار بیرونی آن در سال ۱۹۷۲ موجی از بحث و جدل به راه انداخت.

پیش بینی اصلی "مرزهای رشد" حاکی از آن بود که اگر رشد جمعیت جهان، صنعت گستری، آلوده سازی محیط زیست، میزان تولید مواد غذایی و بهره کشی از منابع و ذخایر طبیعی در ابعاد کنونی ادامه یابد، جهان در سده آینده به مرزهای مطلق رشد خواهد رسید که به احتمال زیاد کاهش سریع و بی وقفه جمعیت جهان و افت چشم گیر ظرفیت های تولیدی و صنعتی جهان را در پی خواهد داشت.

بسیاری از اندیشمندان و محافل اجتماعی و اقتصادی جهان سوم کتاب را توطئه ای استعمار گرانه در جهت متقاعد ساختن کشورهای عقب مانده به صرف نظر کردن از رشد و توسعه ارزیابی کردند. محافل سیاسی اتحاد شوروی نیز آن را از نمود های "سیاست صرف نظر بورژوازی" معرفی نمودند.

راست این است که کم توجهی "مرزهای رشد" به نابرابریها و تنشهای اجتماعی و شکاف ژرف میان شمال و جنوب سبب شد که محافل آگاه کشورهای در حال توسعه و جنبش چپ در سطح جهانی کتاب را به رغم پاره ای نکات و پیش بینی های درست آن به دیده نفی و تردید بنگرند و آن را جزئی از کارزار تبلیغاتی محافل اقتصادی غرب به شمار آورند. گزارش جامع بعدی کلوپ رم که با عنوان "بشریت در نقطه چرخش" در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت با تعدیل مواضع مطرح شده در "مرزهای رشد" امکان رشد و توسعه کشورهای جهان سوم را از طریق تأسیس به مدل اصلاح شده کشورهای صنعتی عملی و سود مند دانست. گزارش دیگر این کلوپ با نام "انقلاب عموم بشری" (۱۹۹۱) نیز با تأکید بر خطراتی که استفاده از انرژیهای غیر هسته ای برای جو (اقلیم) پدید می آورد، بهره گیری بیشتر از انرژی اتمی را به مصلحت بشریت می داند.

این مواضع نسبتاً ضد و نقیض در کنار حضور پاره ای از صاحبان و مدبران کنسرنها و انحصارات بزرگ جهان در کلوپ رم و حمایت مالی آنها از این کلوپ منشأ برخی بدبینیها و سوء ظن هایی شده که فوقاً به آنها اشاره شد.

با این همه انتشار "مرزهای رشد" در پیوند با رویدادهای دیگری همچون برگزاری کنفرانس محیط زیست سازمان ملل در سوئد در سال ۱۹۷۲، انتشار کتاب "بهار گنگ" اثر راحل کارسون و به ویژه تحریم نفتی غرب توسط کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۷۳ (که وابستگی اقتصاد غرب به منابع طبیعی را بیش از پیش نمودار ساخت) موجب شد که آذنان عمومی پیش

با ساختارها و آداب و رسوم محلی سازگاری نداشت و مقاومت همان انسان ها را رو بر اوید که می باستی به زندگی شان بهبود داده شود. عموماً ارزش متناسب با جمعیت به نفع پروژه های چشم پوشی شد که تحقق شان تنها از عهده کشورهای ثروتمند بر می آمد. علت این امر تنها تلاش رهبران کشورهای در حال رشد برای دست یابی به تبدیل شتابان اقتصاد جوامع خود نبود. این مکانیسم ها در چارچوب برنامه های فی مابین شمال - جنوب به وسیله سازمان های بین المللی حمایت و پشتیبانی شده و حتی پیشنهاد خود این نهادها بوده است.

پی آمد این سیاست رشد یک رشته طولانی از پروژه های بود که بسیاری از کشورهای جهان سوم را به ورطه بدهی های کمر شکن افکنده و سیستم مالی آن ها را به نابودی کشاند و هیچ گونه فایده معقول و پایداری برای این کشورها به ارمغان نیاورد. مثال پی مبدل این امر احداث سد های بزرگ بود. سد آسون در مصر معروف ترین نمونه است. در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تعداد زیادی سد احداث شد. به دلیل عدم توجه و نسیان سپاری درس های پیشین فجایع زیادی نازل شد. صدها هزار انسان خانه و کاشانه خود را از دست دادند، بیماری های و آلودگی های از طریق آب آشامیدنی شیوع یافتند، محیط زیست منطقه نابود شد.

پی آمدهای این پروژه های عظیم فجایع اکولوژیک، انسانی و به هدر دادن امکانات هنگفت مالی بود. بارزترین این پروژه های عظیم عبارتند از: ایستاد ریزیل و نارماده در هندوستان. صنایع فولاد، پتروشیمی و کشتی سازی اکثر بازدهی اقتصادی نداشتند. امروزه شدت آساختن این طرح ها انتقاد می شود. در اکثر این پروژه ها به تاخیرات اکولوژیک، اقدامات ضروری شهرک سازی، نیاز به نیروی کار و احتیاجات آن مسائل دیگر توجه نشد.

در بسیاری موارد و حتی در کشورهای نیمه صنعتی، رشد صنعتی مبتنی بر استراتژی های سوسید کالا های وارداتی و دیگر اقدامات ناشی از آن، منجمله بستن عوارض سنگین مالیاتی بر کالا های وارداتی بود. فاصله میان بخش مدرن صنعتی و نواحی فقیر و سنتی روستائی تعمیق یافت. بخش بزرگی از مردم روستا به عنوان نیروی کار ارزان قیمت به شهرها مهاجرت کردند و به پرولتاریای شهری پیوستند که در شرایطی غیر انسانی زندگی می کرد.

روستائیان زمین را به خاطر فقر ترک می گویند. مایحتاج اولیه آن ها تأمین نیست. و یا به خاطر جنگ های محلی (تنها تا همین اواخر در آفریقا بیست جنگ در گرفته است) آن ها جذب پروژه های بزرگ بهبود زیر ساخت کشوری شوند، که به نیروی انبوه انسانی نیاز دارد.

جذابیت شهرها که بر پیرو جوان تأثیر هم ستاری دارد، دلوائی یک رشته دلایل عقلانی و غیر عقلانی است. شهرها را می توان به لاس و گاس تشبیه کرد و اکثر شهروندان را به بازی گری و بازی دیگر "رولت" یا "بلاک جک" نیست. چیز دیگری است: محل کار مطمئن، تحرک اجتماعی فردی، شانس تحصیل بهتر برای کودکان، بیمارستان های مجهز تر برای بیماران. داستان های افسانه ای درباره خوشبختان معدودی در دهان به دهان می گردد، که قرعه نیک به نام شان در آمده است.

در کشورهای در حال توسعه بر شدت تنازعات میان فقر و اغنیاء افزوده می شود. این تنازعات بعضاً قهر آمیز و گاه مسالمت آمیز نمود می یابند. مدل غربی به شدت محکوم و مردود دانسته شده، مورد تنفر است و نسبت به آن حسادت می شود، زیرا که دست نیافتنی می نماید. تنفر فقرا از اغنیاء، مقدم بر همه غربی ها را نشانده رفته، به خصوص تصاویر میلیاردها آمیز ثروت و اسراف جامعه آمریکا، که از تلویزیون پخش می شود. مجالس پرزرق و برق، تکبوشیوه زندگی اقلیت ممتاز بومی مایه انزجار و تنفر است.

ادارات دولتی تا کنون از مهار و ادغام هجوم زنده بوشان به وسیله اقدامات مقتضی و ایجاد خدمات درمانی و مؤسسات آموزشی عاجز مانده اند. این بی چیزان آمادگی هر گونه "بیماری" را داشته و به سادگی به دام خود فروشی و خرید و فروش مواد مخدر می افتند.

ضرورت اتخاذ اقدامات سیاسی برای مهار جمعیت

در بسیاری از کشورهای جهان سوم رقابت میلیتمتری میان افزایش جمعیت و پیشرفت جریان دارد. پیشرفت های بزرگ اقتصادی که نمره تلاش و کوشش خستگی ناپذیر انسانی است، به وسیله رشد بی رویه جمعیت بلعیده می شود. با نگاهی به گذشته، تنها در خیال می توان رشد کشورهایی مانند هندوستان را با منابع غنی و بکر طبیعی تصور کرد، اگر رشد جمعیت آن ها در قرن بیستم ثابت مانده بود.

وظیفه عاجل این کشورها بی شک اتخاذ سیاست انسانی و عقلانی در زمینه کنترل زاد و ولد است. این کشورها باید با اتخاذ تصمیمات معین در زمینه برنامه ریزی خانواده میان انتظارات فراینده از زندگی ناشی از خدمات پزشکی و بهداشتی و رشد بی رویه جمعیت توازن ایجاد کنند. یکی از مؤثرترین راه ها برای کاهش رشد جمعیت، پیشرفت اقتصادی است. زیرا

رشد اقتصادی مولد روندهای خود به خودی است که رشد جمعیت را مهار می کند. متأسفانه رشد اقتصادی برای بسیاری از این کشورها دوردست می نماید. و رشد بالای جمعیت از رشد اقتصادی جلوگیری کرده و مدار بسته شیطانیه وجود می آورد.

تحول علمی در زمینه راه های جلوگیری از حاملگی اکنون مدت ها است ضرورت یافته. به خصوص قرص های ضد حاملگی یا دیگر طرق جلوگیری ارزان قیمت و درد سترس عموم می توانند کنترل رشد جمعیت را سهل تر سازند. در این راستا باید بویژه به رابطه میان بارداری و بی سوادی زنان توجه داشت.

هدف وسیع سیاست کنترل رشد بی رویه جمعیت، با تمام ضرورتی که دارد، باید رفاه و سعادت انسان ها باشد. برای کشورهای جویای رشد، انطباق سیاست مهار رشد جمعیت با تجزیه و تحلیل روشها فائده رشد واقعی جمعیت مبتنی بر ذخایر و آماج رشد مورد نظر اهمیت بسزائی دارد و این کشورها باید برای استاندارد زندگی دلخواه اولویت قائل شوند.

ضرورت استراتژی تازه توسعه

در استراتژی و پراتیک رشد باید تجدید نظر شود. باید برای نیازهای میلیون ها اهالی فراموش شده و بی نوازی دهات در اقصی نقاط جهان در حال رشد اولویت حیاتی قائل شد. همچنین باید اندیشه ای بنیادین کرد و این فرضیه را که بسیاری از استراتژی های مرسوم پیشرفت به آن استوارند، به زیر سؤال برد: "موفقیت اقتصادی کشورهای صنعتی معاصر که بر شالوده سیاست پیشرفت مبتنی بر تکنولوژی مدرن و سیستماتیک است، لا جرم باید به وسیله تمام فرهنگ ها و کشورهای پیروی و عمل شود."

نسل جوان در بسیاری از کشورهای رشد یابنده تلاش دارد با رعایت سنن و کاربست مهارت های ملی راه رشد خود را برگزیند، بی آن که ضرورت مدرنیسم و پیشرفت مادی را نفی کند. تقلید از کشورهای صنعتی راه به جانی نمی برد. مسئله عمده، ایجاد توانائی های ملی در سطح پژوهش علمی و تبدیل تکنولوژیک در کشورهای رشد یابنده است. در عصر تحول تند علمی - صنعتی در کشورهای صنعتی، صرف وارد کردن شیوه های رایج تولید معنای دیگری به جز کار افتادگی و قدیمی شدن پیشاپیش این صنایع ندارد.

باید متذکر شد که در بسیاری از کشورهایی که به داشتن صنعت مدرن و خدمات پیشرفته شهره آفاق هستند، سوء تغذیه و بی سوادی به شدت ریشه دوانیده و بخش بزرگی از مردم در فقر شدید غوطه ورنند. در برخی از این کشورها پیشرفت عمدتاً به فاجعه انجامیده است و حتی نابرابری و فقر تشدید یافته اند.

نیاز به توضیح نیست که رشد عموم بشری بدین طریق نمی تواند ادامه یابد و بدعت جدی در استراتژی های کنونی رشد و پیشرفت نیازی است مبرم. بازگشت از این گرایش منفی تنها می تواند از طریق تحول رادیکال سیستم های سیاسی، با حفظ ثبات و ریشه کن سازی ارتش حاصل شود. به نسل های آینده باید اولویت داد و به گسترش بی رویه یوروکراسی لجام زد.

کشورهای نیمه صنعتی در دهه هفتاد و هشتاد مجبور شدند با تورم وحیف و میل مبارزه کنند. و کشورهایی که به شدت متورم و وحیف و میل مبارزه کنند. و کشورهایی که به اجرای برنامه های بزرگ خود چشم پوشند، استراتژی رشد خود را تغییر دهند و مقدم بر همه بخش دولتی را کوچک تر کرده و به جای آن به جلب و جذب بخش خصوصی بپردازند تا بدین وسیله از اعتبار مالی خارجی برخوردار شوند.

سرما به گذاری های مستقیم خارجی می توانند در این روند نقش مهمی بازی کنند. بسیاری از کشورهای رشد یابنده یگانه گزینته شان ایجاد شرایطی بود که در آن صنایع داخلی بتوانند در سطح جهانی به رقابت بپردازند. این امر تا حدودی بیانگر تجارب کشورهای کرانه اقیانوس آرام است. این روند در برخی از موارد به زیان و ضرر بازار داخلی، به نریخ کاری بالا و کاهش ممتد در آمدهای انجیامید.

باید یاد آوری کرد که در بسیاری از کشورهای رشد یابنده به تکامل بخش اقتصاد کشاورزی اهمیت ناچیزی داده شد. این به ویژه در کشورهای جنوب صحرا دیده شد. ریشه این عدم توجه را باید در آمدها بالنده ای دانست که با روند صنعتی کردن و ایجاد صنایع بزرگ در شهرهای بزرگ یا حومه آن ها پیوند دارد.

اقتدار سیاسی به هنگام بی شکام بی ثباتی سیاسی زود ترا همه در شهرها به خطر می افتد. در چنین شرایطی می توان بی کاران فقیر شهرها را به سادگی به قیام و نا آرامی کشاند. در حالی که نیروی دهقانان در سرتاسر کشور پراکنده است و سازماندهی آن به همین دلیل دشوارتر است. بنا بر این سرما به گذاری در پروژه های بزرگ شهری برای اشتغال و ثبات تلاش خطری است. نتیجه این امر عدم سرما به گذاری کافی در بخش کشاورزی است که خود مانع عمده ای در راه ایجاد تعادل میان تولید مواد غذایی و رشد جمعیت می باشد.

باید به صراحت تأکید کرد که نظام بازار جهانی مواد خام، همچنان مشکل لاینحلی مانده است. باید به ضامنی دست یافت تا از تعین قیمت نفت خام به نفع کشورهای صنعتی و به ضرر کشورهای رشد یابنده در بازارهای جهانی جلوگیری کرد. **ادامه دارد**

ملت و ملت گرایی، افسانه یا واقعیت؟

قسمت اول

م. مزدک

مفاهیمی نظیر "ملت" و "ملی گرایی" از نقطه نظر تاریخی پدیده‌هایی نوین‌اند. ملت به مثابه نوعی ادراک جمعی از هستی انسانی، در جریان پیدایش جوامع مدرن پدید آمده است. با این همه تفکر عامی‌فرد نیست ملت را بتوان یک محصول تاریخی و فرهنگی درک کرد. حتی در حیطه علمی، تحلیل علمی و عینی از ملت، آگاهی ملی و ملی‌گرایی سابقه تاریخی نسبتاً کوتاهی دارد. این بدین معنا نیست که در سده‌های گذشته پیوسته گمان زیادی به بررسی مسئله "ملت" نبرداخته باشند اما اکثریت مطلق این آثار در ابتدا افسانه پردازی مانده‌اند.

مقاله حاضر شرایط تاریخی و اجتماعی پیدایش ملت را مورد بررسی قرار داده و پس از بحث علل ایجاد هویت ملی و ملی‌گرایی به شرایطی پرداخته که در آن مسئله ملی‌سیمای ژئوپلیتیک اروپا را بطور اساسی در گون کرده و از آن فراتر در کشورهای غیراروپایی نیز گسترش یافت.

منابعی که در نوشتن مقاله از آنان بهره جستیم به قرار زیرند: ۱- ملت و ملی‌گرایی، افسانه یا واقعیت، اریک هابس باوم، سال ۱۹۹۲؛ ۲- اختراع ملت، بندیکت اندرسن، سال ۱۹۸۸؛ ۳- ناسیونالیسم و مدرنیسم، ارنست گلنر، سال ۱۹۹۱؛ ۴- ملت و تاریخ، بنیوستون، سال ۱۹۸۱. از این میان بخصوص دو کتاب نخست، پایه مقاله مرانشکیل می‌دهد و همه نقل و قولها نیز از این دو منبع استخراج شده‌اند.

۱- پیش زمینه‌های تاریخی

چه شرایطی بدان منجر شد که ملت، بعنوان پدیده‌ای نوین، که در مقایسه با همه اجتماعات بشری پیشین شکلی ماهیتاً متفاوت از حسن تعلق گروهی بشمار می‌آید، پدید آید؟ برای پاسخ به این مسئله مفید است تحولی را که تا نیمه دوم قرن هجدهم اولین ملل را در فرانسه و در قاره آمریکا پدید آوردند به عنوان نقطه عزیمت برگزینیم. اینجا بویژه باید اشاره کرد که در مرحله ایجاد این ملل، اشکال مختلف احساس تعلق گروهی بشریت در حال زوال بودند. به این ترتیب میتوان رانوعی جانشین اجتماعات بشری پیشین (اریک هابس باوم) و یادآورد سیستمهای فرهنگی سابق (بندیکت اندرسن) قلمداد کرد. مذهب تا پایان قرون وسطی همواره اجتماعات بزرگی را نمایندگی می‌کرد. خط و رسم مقدس و زبان مقدس (که در اروپا خط و زبان لاتین بود)، سمبولها و علائم این زبان و نیز روحانیت، که میان این زبان و مردم مناطق مختلف و مساط می‌کرد، پایه‌های یک اجتماع تخیلی بشمار می‌رفتند. به این ترتیب مذهب قادر بود میان انسانهایی که از هر نظر متفاوت بودند، بر اثر ایمان مشترک، یک اجتماع و واحد ایجاد کند. این اجتماع تخیلی که بوسیله مذهب تجسم می‌یافت پس از قرون وسطی بتدریج زوال پیدا کرد. یک نمود اصلی این تحول، کاهش اهمیت زبان لاتین بود که در طی قرنهای نوزدهم و بیستم بشمار می‌آمد. این زبان از قرن شانزدهم به بعد رفته رفته نقش خود را به عنوان زبان ادبی اروپا از دست داد و از آن هنگام آثار مکتوب بتدریج به زبانهای محلی منتشر شدند. زوال زبان لاتین بیانگر فرایندی بود که در آن اجتماع مقدس و زبان مقدس آن تقسیم گشته، پلورالیته شده و به مرزهای بومی بخش شدند. این فرایند که نقطه مبدأ آن پیدایش سلطنتهای مطلقه در اروپا است، از قرن شانزدهم به بعد بتدریج زوال یافت، که بدانان خواهیم پرداخت، به ازین رفتن پیوند های مذهبی منجر شد. سلطنت به عنوان یک سیستم سیاسی ماقبل مدرن به مذهب بسته بود. مشروعیت سیستم سلطنتی نزد خدا بود و نه نزد مردم، که فرودست بشمار می‌آمدند. بعلاوه دولتها بر اساس مراکز تعریف می‌شدند و نه بر مبنای مرزبوم. بنا به آنچه گفته شد برای بقای چنین حکومتها، همگونی مردمی که تحت تسلط آنها بسر می‌بردند، بی‌اهمیت بود. بنابراین جای تعجب نیست که سلطنتها به کمک از دواجها و پیوند های خانوادگی قلمرو خود را گسترش می‌دادند و با حکومتهای مختلف توسط خاندانهای اداره می‌شدند که تبار بومی نداشتند. مثلاً جالب است که از قرن پانزدهم در هلند هیچ سلطنت انگلیسی حکومت نکرده است (اندرسن، ص: ۲۹). این مشروعیت مسجل سلطنتهای مذهبی در اروپای غربی بتدریج از بین رفت. فرایند فوق، که بلحاظ پیش زمینه‌های مادی و معنوی نقطه عزیمت در قرن هجدهم بود، پس از انقلاب فرانسه شتاب یافت. انقلاب فرانسه نقطه عطفی است که در آن مشروعیت مذهبی حاکمان به طور قطعی از بین رفت و از آن هنگام حکومتها مجبور شدند هر چه بیشتر به وسیله مردم مشروعیت پیدا کنند. از آن هنگام دوران تکوین ملل آغاز می‌شود و حکومتها خصیصی ملی می‌یابند.

کدام دگرگونیهای اقتصادی که بین قرن شانزدهم و هجدهم روی دادند. این دگرگونیها در درون مرزهای صورت گرفت که هر کدام به مثابه یک کل واحد، سیاست مرکانتیلیستی را تعقیب می‌کردند. این منجر به وجود دولتهایی با یک انحصار پولی و نهاد های مالی رسمی شد که مداخله ضرورت آنها در اقتصاد، از پایان قرن هجدهم واقعیتی غیر قابل انکار بود. این تحول اقتصادی پایه تقسیم بشریت را به ملل مستقل ایجاد کرد. به عبارت دیگر ملت به عنوان یک اقتصاد در چهار چوب مرزهای ملی و حمایت بر نامه ریزی شده اقتصاد توسط دولت (هابس باوم، ص: ۴۱) ایجاد شده به موازات سیستم مرکانتیلیستی تحول پایه ای در اشکال ادراک جهان پدید آمد تا بتوان در چهار چوب قالبی نظیر ملت فکر کرد. سابقاً جامعه ایسانی مسیحی به وسیله کشیش محله به شکلی مستقیم و مساط می‌شد. با وجودی که مسیحیت داعیه ای جهانی داشت، سبیل های آن عموماً اشکال محلی بخود

دولتها افزایش یافت و نه بالعکس. آنچه را تا به حال گفته ایم خلاصه کنیم: از قرن شانزدهم تحول اقتصادی بر پایه سیاست مرکانتیلیستی در چهار چوب دولتهایی که بر مرزبوم معینی حکومت می‌کردند انجام شد. این به دخالت بیشتر دولتها در اقتصاد و تمایز و مرز بندی شد بدتر میان حکومتها منجر شد. به موازات این تحول بر اثر زوال اجتماع مذهبی وجود محصولات چاپی، دگرگونی پایه ای در اشکال ادراک جهان پدید آمد. گسترش صنعت چاپ و تشدید وظایف اداری در حکومتها مطلقه، نظیر ایجاد بومی مکتوب را پدید آورد. این زبانها، زبان لاتین را بتدریج کنار انداختند. تحولات مزبور امکان آن را که بتوان در قالبی نوین از اجتماع خیالی تصور کرد، ممکن گردانید. این چگونگی، زمینه ساز تکوین ملل شد. ابتدا فقط فشر کوچکی از نخبگان قادر بود با این اجتماع احساس یگانگی کنند. این خود آگاهی "ملی" اشرفیت، که اریک هابس باوم "ملت سیاسی" می‌نامید، می‌تواند پیش در آمد ملل مدرن به شمار آید. اما نادرست خواهد بود چنین فرض کنیم که این "ملت سیاسی" پیش شرط ضروری برای پیدایش ملت بود. همانطور که خواهیم دید، حتی در مناطقی که چنین عناصر شبهه ملی وجود نداشتند، توانستند مللی پدید آیند.

۲- نخستین ملل

مقوله "ملت" در مفهوم مدرن خود در مرحله انقلاب فرانسه پدید آمد و خصیصی سیاسی داشت. در نخستین مدهای ملی، که بر اثر انقلاب فرانسه و جنبشهای استقلال طلبانه در قاره آمریکا ایجاد شدند هیچگونه شباهتی با جنبشها و ایدئولوژیهای ناسیونالیستی، که بعداً پدید آمدند، نداشتند. برای نخستین ملل عناصری نظیر ملی‌شترک، زبان مشترک، مذهب مشترک و غیره اهمیت بنیادی نداشتند. آنچه مهاجران انگلیسی را از پادشاه انگلستان و اتباع آن متمایز می‌کرد نه زبان بود و نه تبار (هابس باوم، ص: ۳۱). و یک شهروند فرانسوی نه بر اساس تکلم به زبان فرانسه به عنوان زبان مادری بلکه بر اثر آرزای آزادی جهت فراگیری این زبان تعیین میشد. اولین تلاشها جهت استقلال سیاسی در قاره آمریکا در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم و انقلاب فرانسه به پیدایش نخستین دولتهای ملی منجر شدند. اما بر خلاف انقلاب فرانسه که بورژوازی در مقابل با اشراف و روحانیت، حامل اصلی بنای یک دولت ملی بود، در قاره آمریکا کولونیا (۱۱) این نقش را ایفاء کردند. آنها در واحدهای اداری مستعمراتی فشر منتهزه را تشکیل میدادند. تفاوت دیگر آن بود که لاقول در آمریکای جنوبی و مرکزی اشراف متوسط و روشنفکران نقش بی‌اهمیتی داشتند. بعلاوه نه مجاهدت جهت "جذب طبقات پایینی در زندگی سیاسی در موارد مهمی نظیر ونزوئلا، مکزیک و پرتغال عامل اصلی پیشبرد مبارزه استقلال طلبانه علیه مادرید بلکه هراس از آسیب این طبقات لانگیزه این جنبشها بود" (اندرسن، ص: ۵۶). جریان پیدایش دولتهای ملی در بخش اسپانیای آمریکا بر پایه واحدهای اداری به لحاظ اقتصادی مستقل انجام شد. این واحدها از نقطه نظر جغرافیایی و سیاسی نیز از یکدیگر متمایز بودند. استثمار افزایش یافته این مستعمرات توسط اسپانیا تحقیر کرئولها، که امور اداری این مستعمرات را بعدده داشتند، در چهار چوب گسترش افکار آزاد بخوانه روشنفکران اروپایی و به بویژه بر اثر انقلاب فرانسه باعث جنبشهای استقلال طلبانه در این مناطق شد. (۲) در قالب روابطی که بدان اشاره رفت، در قرن هجدهم گسترش وسیع چاپ کتاب و روزنامه‌ها، که به هر یک از واحدهای اداری مستعمرات محدود بوده و این ترتیب خصیصی محلی داشتند زمینه ساز این شد که یک حس تعلق گروهی با یک اجتماع خیالی در میان فشر کرئولها، در هر یک از این واحدها پدید آید. این "ملت سیاسی" به پیدایش دولتهای ملی مساعدت کرد. با این همه جنبشهای استقلال طلبانه در بخش اسپانیای آمریکا نمی‌توانند جنبشهای ملی قلمداد شوند. توده وسیع مردم در این جنبشها فعال نبود. حتی سختگویان این جنبشها در قالب مفاهیم ملی نمی‌اندیشیدند. مفاهیم مدرن "ملت" ابتدا در مرحله انقلاب فرانسه پدید آمد. "عنوان نخستین ملت خصیصی سیاسی داشت. این کلمه خلق را یاد دولت پیوند میداد" (هابس باوم، ص: ۲۹). ملت "اجتماعی از شهروندان بشمار میرفت که دولت با زتاب حق حاکمیت گروهیشان بود" (هابس باوم، ص: ۲۹). در فرانسه نیز، مثل قاره آمریکا، ملت بعد از پیدایش دولت ملی ایجاد شد. اینجا نقش دولت در جریان تکوین ملی مشهود است. این جریان شامل انطباق گروههای قومی کوچکتر بر گروههای بزرگتر بود. در عصر انقلاب فرانسه، معیارهای ملی گرایانه در ایجاد ملل نفسی نداشتند. بر عکس تلاش قلمخای کوچکتر جهت استقلال و حق تعیین سرنوشت - که در آن دوره یک استثنا بود - تلاش محافظه کارانه و مستند گرایانه علیه پیدایش ملل بحساب می‌آمد. پیشرفت اجتماعی روندی قلمداد میشد که ابعاد گروههای اجتماعی را هر چه گسترش دهد. بنابراین در آن دوره برخلاف امروز - صریحاً مایل بودند با کرئولها به یک یو کسلاوی واحد پیوند یابند؛ چنگها می‌خواستند با اسلوواکیها متحد شوند، لهستانیهایی می‌خواستند با لیتوانیها وحدت کنند و غیره. به این ترتیب گروههای قومی کوچکتر و زبانهای آنها محکوم به نابودی بودند. فقط در نیمه دوم قرن نوزدهم بود که در درک ملت تحولی صورت گرفت. فقط از آن هنگام بود که پدیده "ملی گرایی" بتدریج اهمیت می‌یابد. ما غل این تحول را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳- حس یگانگی ملی

از آنچه تا به حال گفته شد روشن می‌شود که پیدایش نخستین ملل و جریان تکوین ملی در نیمه اول قرن نوزدهم محصول تحولات اقتصادی، فنی و سیاسی بود که در جریان در قرن نضج گرفتند. و اینکه پیدایش ملل نتیجه درهم شکستن اجتماعات سنتی بود. حال بیینیم علل پیدایش ایدئولوژیها و جنبشهای ملی گرایانه چه بوده‌اند. در پاسخ به این پرسش لازم است اشاره کنیم با وجودی که جنبشهای ملی در نتیجه ملی گرایی به ظهور رسیدند، همزمان با آن پدید نیامدند. مدها قبل از آنکه جنبشهای

ملی دوران ملی گرایی را در اروپا پدید آوردند، ایدئولوژیهای ملی گرا وجود داشتند و هدفمندانه در راه اهداف ناسیونالیستی قدم بر می‌داشتند.

اما ابتدا بگذارید شرایطی را تشریح کنم که به ایجاد حس یگانگی ملی منجر شدند که به نوبه خود در پیوند با برخی پیش شرطهای دیگری به پیدایش جنبشهای ملی مساعدت کرد. همانطور که در فصل اول متذکر شدیم، پیدایش زبانهای اداری و بومی مختلف در اروپا به از بین رفتن اهمیت زبان لاتین، که تا آن هنگام زبان مقدس و به شمار می‌رفت منجر شد. به هنگام قرن نوزدهم علم زبان شناسی پیشرفتهای بزرگی کرد. در همه اروپا زبانهای مکتوب جدیدی پدید آمدند. این تحول که همزمان با گسترش بازار کتاب و رشد مدارس و دانشگاهها انجام شد، باعث گشت که زبان نه مثل گذشته بعنوان یک قدرت خارجی بلکه به مثابه یک جزء درونی انسان ادراک شود. دگرگونی فوق در قالب دولت مدنی صورت گرفت که از هنگام انقلاب فرانسه ایجاد شده و از جنبه های مختلف پدید آمده بود. حاکمیت سیاسی در این دولت به طور بیلا واسطه و به واسطه امرای اقوام خود مدارا اعمال میشد. از آن هنگام که در سراسر قلمرو دولتی مکانیسمهای اداری و فواین واحدی پیش برده شد، دولت هر چه بیشتر مجبور شد نظرات اهالی را مدنظر قرار دهد زیرا آنها با از طریق حق انتخاب کردن قادر به ایفای نقش بودند و یاد دولت به حمایت و همکاری آنها بعنوان پرداخت کننده مالیات، انجام خدمت سربازی و غیره نیاز داشت. در قالب این تحول، رابطه میان دولت و شهروندان تقویت شد. این وضعیت بالا جباریه مسئله زبان رسمی اهمیت ویژه ای داد زیرا تعداد ماموران دولتی که می‌بایست لاقول مدرک ابتدایی را ارائه دهند روز به روز افزایش می‌یافتند. افزایش فشر قادر به خواندن و نوشتن، مسئله انتخاب زبان ملی بعنوان زبان اداری به مسئله حادی بدل کرد. در مناطقی نظیر بریتانیا کبیرو فرانسه که از اواسط قرن نوزدهم زبان اداری و زبان اهالی به میزان زیادی هماهنگ شده بود، این موضوع حدت کمتری داشت اما در کشورهای "کثیراللسه" که زبانهای مکتوب گوناگون در کنار هم وجود داشتند تعیین یکی از این زبانها به زبان رسمی (مثلاً تعیین زبان آلمانی به وسیله پادشاهی هابسبورگ) برای آن فشر از کسانی که قادر به خواندن و نوشتن بودند اما به زبان دیگری تسلط داشتند زبانهای زیادی وارد کرد. بنابراین اشراف مزبور پیش از اشراف دیگر واجد شرایطی بودند که ایدئولوژی ناسیونالیستی را نمایندگی کنند. اما ملی گرایی این اشراف تاریخ آخر قرن نوزدهم که بتدریج بر اثر دربر گرفتن توده ها به نیروی مادی بدل شد، نقش بزرگی ایفا نمی‌کرد. رابطه مردم با مسئله ملت به گونه دیگری بود. اینجا مسئله مشروعیت در برابر دولت نقش کلیدی داشت. تبدیل واحدهای خود مدارا ماقبل مدرن به دولتهای ملی، رابطه میان مردم و دولت را اساساً دگرگون کرد. در دوران ماقبل مدرن، مشروعیت اهالی نه شامل حکومت بلکه شامل واحدهای خود مختاری بود که میان مردم و پادشاه واسطه بودند. اکنون در دوران انقلابی این واحدها از بین رفته بودند. این خلأ می‌بایست پر شود. دمکانتراسیون سیاسی و ایجاد یگانگی میان اهالی یا "ملت" مناسبترین ابزار این کار بود. حتی سلطنتهای مطلقه نیز چاره ای جز این نداشتند زیرا "فاسمتهای سنتی مشروعیت نظیر مشروعیت سلطنت، حق تاریخی و وراثت حاکمیت و یا پیوند مذهبی" (هابس باوم، ص: ۱۰۲) بنشدت تضعیف شده بودند. "همینکه سلطنتها، خود را با "ملت" متعلق کردند، نشانه آنستکه نهادهای سنتی مجبور بودند پس از دوران انقلاب خود را در گون کنند و یا آنکه از بین بروند" (هابس باوم، ص: ۱۰۲). بعلت برخی تحولات که بدان خواهیم پرداخت، در میان اهالی حس یگانگی و بویژه ای با دولتهای مختلف ایجاد شد. عناصری نظیر تعلق قومی و سایر علائم سیاسی نقش مهمی در ایجاد یگانگی اهالی یا "ملت" ایفا کرد. در اینجا جنبش کارگری سوسیالیستی که در گسترش حقوق مدنی مؤثر بود، نقش کوچکی ایفا نکرد. بنابراین جای تعجب نیست هر جایی که طبقه کارگران حقوق را کسب کرد، هر چه بیشتر آماده مشارکت در جنگ اول جهانی شد. جالب اینجاست که همه حکومتها در گیر جنگ با استفاده از این حس یگانگی ملی، جنگ را بعنوان دفاع از دستاوردهای مدنی علیه تهدید دشمن خارجی نمایش دادند. همانطور که اشاره رفت این حس یگانگی ملی با ملی گرایی ربطی نداشت. ایدئولوژیهای ملی گرایانه مستقل از دولتهای پدید آمده و به هنگام تلک آخر قرن نوزدهم به رقابت با دولتها پرداختند. ناسیونالیسم یک نیروی سیاسی مستقل از دولت بود. در حالیکه معیارهای ملی گرایانه تنگ بوده و به وسیله عناصر زبانی و قومی معین می‌شود. با وجودی که هر دو پدیده فوق برای زمان معینی در کنار یکدیگر می‌زیستند، با یکدیگر پیوند نداشتند. اگر یگانگی ملی، بروقی آنچه گفته شد، تا پایان قرن نوزدهم اشراف هر چه بیشتری را در بر گرفت، ایدئولوژی ناسیونالیستی برای دوره ای طولانی بر بخش کوچکی از کارکنان فکری، که در سلسله مراتب اداری نقش فرعی داشتند محدود بود. به فرایندهایی که به ایجاد ملی گرایی منجر شده و آنرا بالاخره به یک نیروی مادی مبدل کردند در فصل د بکر خواهیم پرداخت. اینجا فقط میخواهم اشاره کنم که در جریان مدرنیسم یعنی اداره مستقیم یک جمع وسیع از اهالی و در فرایند توسعه فنی و اقتصادی، همگونی و وحدت شهروندان به وسیله یک "زبان ملی" ضرورت پیدا کرد. انتخاب زبان ملی رسمی که به وسیله دولتها صرفاً به دلایل پراگماتیستی انجام شد، برای ایدئولوژی ناسیونالیستی اهمیت بزرگی پیدا کرد. برای این ایدئولوژی، زبان روح یک ملت و معیار تعیین کننده ملیت بود" (هابس باوم، ص: ۱۱۲). ملی گرایی یا گسترش تعلیم عمومی، که خود ناشی از نیازهای دولت مدرن اداری بود، پایه مساعدی پیدا کرد، در ابعاد هر چه بیشتری حمایت توده راد راه اهداف ناسیونالیستی کسب کند. "روشنفکران جدید بر خواسته از فشر متوسط که حاملین ملی گرایی بودند، می‌بایست از توده دعوت کنند در عرصه تاریخ قدم بگذارند و این دعوت می‌بایست به زبانی نوشته شود که مورد فهم آنها باشد" (اندرسون، ص: ۸۵). بطور خلاصه میتوان گفت: پیشرفتهای زبان شناسی، افزایش

خبرها و نظرها

تشکیل کنگره موسس اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد

در ماه نوامبر کنگره مؤسسين اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد با شرکت نمایندگان از ۱۳ شهر سوئد برگزار گردید. این کنگره با تعیین اعضای کمیته موقت این اتحادیه و تصویب ماده‌ای در رابطه با فعالیت‌های این اتحادیه بکار خود پایان داد. در ماده مصوبه این کنگره آمده است:

نشریه "اتحاد کار" و کنگره سوم سازمان

نشریه اتحاد کار در مقاله‌ای با عنوان "تقویت گرایش راست در کنگره سوم اکثریت" مواضع مصوب سومین کنگره سازمان را مورد نقد قرار داده و مصوبات این کنگره را تقویت گرایش راست در سازمان دانسته.

وی در توضیح دلایل این نظر خود به تحلیل موضع سازمان نسبت به سلطنت طلبان پرداخته و مصوب کنگره مبنی بر اینکه سازمان در دفاع از حقوق بشر و سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم مدافع همکاری با مشروطه خواهانی که موضع روشن نسبت به رژیم استبدادی پهلوی دارند، را مورد نقد قرار داده است. وی با تأکید بر سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم شاه هرگونه ای از همکاری با هر یک از نیروهای مشروطه خواه را نفی کرده است. در ادامه مقاله آمده است که در کنگره دوم سازمان با وجود آنکه ضرورت اشکال قهرآمیز مبارزه نوده‌ای در جامعه نفی شده بود، اما مقاومت و مقابله مردم در برابر سرکوبی رژیم اسلامی مشروع و

اعلامیه مشترک

ماه گذشته اعلامیه مشترکی با امضاء ۴ سازمان، حزب دمکرات کردستان ایران، "سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران"، "سازمان فدائیان ایران"، و سازمان "کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" در رابطه با قتل محمد قادری و بهرام آزاد فراز فعالین حزب دمکرات کردستان ایران در کشور ترکیه انتشار یافت.

در این اعلامیه آمده است که این اقدام نه اولین و نه آخرین جنایت رژیم است. تروریسم دولتی جزئی از طبیعت این رژیم است. اعلامیه تأکید کرده است: "دولت ترکیه نمیتواند از مسئولیت جنین جنایاتی که نه برای نخستین بار در خاک آن کشور توسط رژیم جمهوری اسلامی صورت میگیرد شانه خالی کند. از شعبه پناهندگان سازمان ملل نیز توقع می‌رود که نسبت به تأمین امنیت پناهندگان زیر پوشش خود، بی تفاوتی را کنار بگذارد."

کنفرانس عمومی راه کارگر

نشریه "راه کارگر" در شماره شهریور و مهر خود، اسناد کنفرانس عمومی اول سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را منتشر کرد. در این کنفرانس وحدت با ۲ سازمان دیگر چپ منتفی اعلام شد. در قطعنامه‌ای به این مناسبت آمده است: "مذاکرات ما با سازمان فدایی ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - شورایی‌ها که کنگره سازمان ما وحدت با آنها را در گام اول مدنظر داشت نشان داد که این دو سازمان محورهای اصلی بلا تفرم مورد نظر سازمان را قبول ندارند و بنا بر این وحدت مورد نظر کنگره نمیتواند با آنها به سرانجام برسد. در مورد این موضوع ۱۰ قطعنامه به کنفرانس ارایه شده بود که قطعنامه فوق با ۴/۶۴ درصد آراء اکثریت را بدست آورد. قطعنامه موافقان روند وحدت ۲۱ درصد آراء را به دست آورد."

این کنفرانس برای پاسخگویی به اختلاف نظر در مورد میانی‌پرنامه راه کارگر قطعنامه دیگری را درباره تفسیر کنفرانس عمومی سازمان از میانی‌پرنامه به تصویب رساند. تفسیر رسمی کنفرانس از برنامه مصوب کنگره اول "دولت نوع کمون که ما به ازای اجرائی‌اش در یک کلام، در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی است." اعلام شد. این قطعنامه ۸۱/۵٪ آراء را به دست آورد. کنفرانس در قطعنامه دیگری خواهران "اتحاد هواداران سوسیالیسم شد." هدف این اتحاد مبارزه برای ایجاد بلوکی از کارگران و زحمتکشان بر پایه منافع و مواضع طبقاتی آنان خواهد بود. وظیفه مستمر این اتحاد تلاش برای کمک به تجمع و تشکل آزاد و مستقل دولت کارگری می‌باشد.

پاکم‌های مالی خود مارا در پیشبرد وظایفمان یاری کنید!

مشترکین گرامی، دوستان خواننده!

روزنامه کار درآمدی جز وجوه حاصل از آبونمان و کمک‌های مالی ندارد. تاخیر در پرداخت وجوه آبونمان، روزنامه را با دشواری مواجه می‌سازد. خواهشمندیم با ارسال بموقع وجوه اشتراک به انتشار منظم و به موقع روزنامه کاری یاری رسانید.

اعتراض و هشدار به دولت آلمان

نهضت مقاومت ملی ایران طی نامه سرگشاده‌ای به هلموت کوهل صدراعظم آلمان به همکاری‌های امنیتی دولت آلمان و رژیم جمهوری اسلامی اعتراض نمود. در این نامه پس از ذکر عملیات تروریستی رژیم در خارج کشور و نقش مستقیم سازمان امنیت ایران و مسئول آن آقای فلاحیان در این ترورها دعوت رسمی‌وی به آلمان و مذاکره با وی تقبیح گردیده است. در خاتمه این اعلامیه آمده است: "بار دیگر از شما می‌خواهیم که سکوت خود را در مقابل نقض قوانین حقوق بشر در ایران بشکنید و از همکاری با رژیم دیکتاتوری مایلان صرف نظر کنید."

جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دمکراسی طی نامه سرگشاده‌ای به هلموت کوهل صدراعظم آلمان همکاری‌های امنیتی دولت آلمان و رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمود. در این نامه ضمن اشاره به عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و تروریش از ۲۲ تن از کوشندگان مخالف رژیم و برترور ۴۰ تن از شخصیت‌های اپوزیسیون که بدعوت حزب سوسیال دمکرات آلمان برای شرکت در کنگره سوسیال دمکرات‌ها به آلمان آمده بودند تا کید شده و سفر فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت رژیم مورد اعتراض قرار گرفته است.

واحد‌های محلی سازمان‌های فدائیان خلق ایران با اکثریت، حزب دمکراتیک مردم ایران و جمهوریخواهان ملی ایران در ارتیش در نامه‌ای خطاب به وزیر دادگستری آلمان سفر فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت ایران به این کشور را مورد اعتراض قرار داده و از دولت آلمان خواسته‌اند که تسلیم فشارهای ایران نگردد و مانع آن نگردد که در محاکمه برلین، دست اندر کاران پشت پرده افساء و به جبهانیان معرفی گردند.

واحد سازمان فدائیان خلق ایران با اکثریت در شرق و جنوب امریکا با فرستادن نامه‌ای به سفیر جمهوری فدرال آلمان در امریکا خواهان محاکمه عادلانه عاملین قتل دکتر شرفکنند و یارانش شده‌اند. در این نامه گفته شده: "انتظار ما این است که در جریان محاکمه، عدالت قربانی منافع و روابط دولت‌ها قرار نگیرد."

سمینار و سخنرانی

جامعه پژوهش‌های اجتماعی ایران اعلام نمود که از ۳ تا ۵ دسامبر سمیناری در برلین برگزار خواهد گردید. سخنرانان این سمینار عبارتند از: آقای داریوش آشوری در رابطه با فرهنگ سیاسی و دمکراسی، خانم فریبا عادلخواه در رابطه با دمکراسی و رشد اقتصادی، آقای همایون کاتوزیان در رابطه با دمکراسی و رشد اقتصادی، آقای تیرج اتابکی در رابطه با دمکراسی و چندگانگی قومی، آقای داود غلام آزاد در رابطه با انقلاب اسلامی و دمکراسی و آقای علی شیرازی در رابطه با شیعه و دمکراسی.

به دعوت انجمن نقد سخن آقای داریوش آشوری محقق و مترجم معروف ایرانی، در ۲۹ نوامبر درباره "زبان تجدد" در شهر فرانکفورت سخنرانی کرد. این سخنرانی به دعوت انجمن نقد سخن برگزار شد. این انجمن از اوایل سال ۹۲ تحت عنوان "جمعی از جبهیای دمکرات شهر فرانکفورت" کار خود را آغاز کرد. این انجمن مدتی قبل به دلیل باره‌ای مشکلات ناچار به تغییر نام خود شد.

واحد‌های تشکیلاتی و هواداران سازمان سوسیالیست‌های ایران، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، جنبش ملی بلوچستان ایران و سازمان مشروطه خواهان ایران در دانمارک، نزدیک به یک سال است که به تشکیل جلسات مشترکی اقدام کرده‌اند. حاصل این نشست‌ها تاکنون انتشار بیانیه‌های متعددی بوده است که خواهان محکومیت جمهوری اسلامی توسط احزاب و دولت دانمارک و هم چنین

همبستگی با قربانیان حقوق بشر بوده است. واحده‌های فوق در بیانیه ۳۰ اکتبر ۹۳ خود خطاب به جامعه ایرانیان در دانمارک، خواهان شرکت همه محافل، انجمن‌ها و احزاب ایرانی مخالف رژیم در نشست‌های دوره‌ای خود شده‌اند.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدد اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ:

آدرس: Name: _____

Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه ۴۵ مارک

یکسال ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه ۵۲ مارک

یکسال ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH
 NR_35263011
 POSTFACH 1810
 37050198
 52020 AACHEN
 Stadtparkasse Köln
 GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

فلسطین: وخامت اوضاع در مناطق اشغالی

در حالی که یک هفته پیشتر به ۲۲ آذر، مهلت تعیین شده برای به سرانجام رسیدن مذاکرات سازمان آزادبخش فلسطین (ساف) و اسرائیل جهت تعیین جزئیات خودمختاری نوار غزه و شهر اریحا در کرانه غربی رود اردن نمانده است و این گفتگوها هنوز ادامه دارد، در هفته های اخیر اوضاع در مناطق اشغالی وخیم تر شد.

کشته شدن دو عضو الفتح توسط پلیس مخفی اسرائیل، قتل رهبر یک گروه چریک وابسته به حماس و اعتصاب عمومی در نوار غزه اوضاع را بحرانی کرد. شبه نظامیان وابسته به الفتح در مناطق اشغالی اعلام کردند، انتفاضه را از سر خواهند گرفت.

یاسر عرفات رهبر ساف طی بازدید خود از کشورهای شمال اروپا نسبت به وقفه در پیشرفت مذاکرات ساف و اسرائیل ابراز نگرانی کرد. برخی مقامات سوئدی پس از دیدار با عرفات گفتند در درون ساف، مقاومت در برابر روند صلح گسترش می یابد و از این رو، آمریکا باید فشار بیشتر بر اسرائیل اعمال کند.

سیمون پروزیزر خارجه اسرائیل در مصاحبه ای با هراالد تریبون، مدعی شد که قرارداد واشنگتن، تاریخ ۲۲ آذرانه برای عقب نشینی اسرائیل از غزه و اریحا، بلکه به عنوان مهلت به سرانجام رساندن مذاکرات برای تعیین جزئیات خودمختاری تعیین کرده است. پروزیزر افزود طبق قرارداد واشنگتن، طرفین چهار ماه پس از ۲۲ آذر فرصت دارند که مفاد موافقت نامه را اجرا کنند، و بنابراین حتی در صورت به نتیجه نرسیدن گفتگوها تا ۲۲ آذر، وقت برای اجرای معاهده خودمختاری کافی است.

فصل حسینی یکی از نمایندگان ساف در مذاکرات با اسرائیل هشدار داد در صورتیکه اسرائیل طبق پیش بینی معاهده واشنگتن از غزه و اریحا عقب نشینی نکند، خونریزی در مناطق اشغالی ادامه خواهد یافت. یک عضو کابینه اسرائیل، در بیت المقدس گفت تاریخ ۲۲ آذر برای تحقق خودمختاری، مقدس نیست. این مقام اسرائیلی اظهار داشت بین ساف و اسرائیل در مورد وسعت منطقه اریحا اختلافاتی وجود دارد. به گفته این مقام دولت اسرائیل می خواهد منطقه اریحا را به خود شهر محدود کند، در حالی که فلسطینی ها این منطقه را "بسیار بسیار بزرگ" می دانند. مطبوعات غربی از تونس گزارش می دهند طرح های ساف برای تبدیل شدن به دستگاه دولتی اداره کننده غزه و اریحا، ساختار داخلی این روزنامه آمریکایی نیویورک تا میزخبر از یک طرح محرمانه عرفات برای تجدید سازماندهی رهبری ساف داده است. این گزارش حاکی است



پلیس فلسطین خود را آماده جاننشینی ارتش اسرائیل در مناطق خود مختار می کند.

عرفات می خواهد اکثر شخصیت های با سابقه رهبری ساف را کنار بگذارد و جای آنها را با تکنوکراتهایی از درون ساف و از مناطق اشغالی پر کند. بسام ابوشریف یکی از مشاوران عالی رتبه عرفات گفته است: "گذار ساف از یک جنبش انقلابی به یک دستگاه دولتی، روند بسیار دردناکی است که به یک زایمان شباهت دارد. ما باید نهادهایی بسازیم که اعضای آنها را اقتصاددانان و برنامه ریزان تشکیل می دهند و با شیوه های جدید کارجمعی فعالیت می کنند. به عبارت دیگر، ما نیاز به افراد پراتیک و نه خیال پرداز داریم. طبیعی است که برخی افراد در برابر این روند مقاومت کنند.

یک مقام دیگر ساف ضمن تاکید بر واقعی بودن بحران مالی ساف، گفته است عرفات از این بحران برای حذف آنها که با آرمانهای انقلابی ازدواج کرده اند بهره می جوید. این مقام ساف هشدار داده است که روند حذف برخی مقامات ساف، بر مخالفت ها

افراد نیروی پلیس فلسطینی را که قرار است ظرف پنج سال آینده شمار نیروهای آن به پنجاه هزار نفر برسد، در مناطق اشغالی تامین کند. در مورد تعداد افراد پلیس فلسطینی، اختلافات ساف و اسرائیل به حل خود نزدیک شده است. وزیر پلیس اسرائیل پس از سفری به قاهره برای مذاکره با نمایندگان ساف گفت رقم پیشنهادی پانزده هزار نفر برای مرحله نخست از سوی ساف، قابل قبول است. قرارداد در فاصله ۲۲ آذر تا ۲۴ فروردین پلیس فلسطین، جای ارتش اسرائیل را بگیرد.

سیمون پروزیزر خارجه اسرائیل در مصاحبه با هراالد تریبون اظهار داشت در حالی که برقراری نظم و تعقیب مخالفان فلسطینی صلح، برعهده پلیس فلسطینی خواهد بود، ارتش اسرائیل کماکان "دفع تجاوز خارجی و حفاظت از شهرک های یهودی نشین را برعهده خواهد داشت."

به مخالفان اجازه شرکت در انتخابات داده شد

کمیسیون مرکزی انتخابات در مسکو تصمیم بر اجازه شرکت کمونیست ها در انتخابات گرفت و اعلام کرد که دعوت عام از طرف احزاب و اشخاص به ندادن رای به طرح قانون اساسی جدید هیچ مغایرتی با قانون انتخابات ندارد. به گزارش خبرگزاری رویترز مسکو، کمونیست های روسی اجازه شرکت در انتخابات پارلمانی در ۱۲ دسامبر دارند. کمیسیون مرکزی انتخابات تقاضای معاون ریاست جمهوری آقای ولادیمیر شوماکورا مبنی بر کنار گذاشتن حزب کمونیست از انتخابات قاطعانه رد کرد.

کمیسیون مذکور این تصمیم خود را چنین مستدل کرد که دعوت این دو حزب از مردم به ندادن رای به طرح قانون اساسی جدید، که از طرف یلتسین پیشنهاد شده، هیچگونه مغایرتی با قانون ندارد. شوماکورا استدلال کرده بود که برنامه های تبلیغاتی انتخاباتی احزاب فوق ناقص قوانین انتخاباتی است. در روز ۱۲ دسامبر علاوه بر انتخابات مجلس قرار است در مورد طرح پیشنهادی یلتسین برای قانون اساسی جدید هم رای گیری شود.

کمونیست ها و دموکرات ها خواستار ندادن رای به این طرح شده اند، زیرا این طرح برای رئیس جمهور قدرت زیادی قائل است. بر طبق آخرین نظرسنجی کمونیست ها و دموکرات ها در پارلمان آینده قدرت زیادی خواهند داشت.

آرماندو کاسوتا صدر حزب احیاء کمونیستی ایتالیا: نیروهای چپ، نقطه اتکاء پیشبرد تحولات دموکراتیک هستند

من از دیر زمان خطر گرایش به راست در رای مردم را هشدار می دادم. نگرانی نیروهای دمکرات واقعی است. راست از دیر زمان جاده را برای این پیروزی ها فراهم می کرد. میل و هوس گرایش به راست بیش از پیش در برخی از اقشاری که معمولاً به حزب دمکرات مسیحی رای می دادند، از مدتها قبل مشاهده می شد. با پستی از سوی دیگر پیروزی بی نظیر لگاریزاسیون اضافه کرد. این جنبش راست گراست.

سئوال: به نظر شما در مقابل گسترش اجتماعی راست، بی توجهی شده است؟

جواب: به نظر من با خطر راست مقابله نشد. فراموش نکنیم که حتی حزب دمکراتیک چپ نیز در برخی از شهرهای شمال به همکاری های غیر قابل باوری با لگاریزاسیون پرداخت. ما یلم تاکید کنم که راست موفق شد در عمل سیاسی و فرهنگی وحشی آداب و رسوم مردم به دستاورد های شگرفی دست یابد. چرا که چپ وانمود می کرد که گویا چپ به عنوان نیروی آلترناتیو جذابیت خود را از دست داده است.

سئوال: راست، امروزه در خود عناصر جدیدی دارد. در مقابل ما آن فاشیسم قدیمی نیست که قد علم کرده...

من نیز در این جنبش تنها فاشیسم قدیمی را نمی بینم. این جنبش قادر شده خود را بیانگر هر نوع ناراضی عمومی معرفی کند، چه در زمینه قوانین انتخاباتی، چه در مجلس در تقابل با بودجه سالانه و چه در مبارزه علیه فساد و انحراف در سرویس های جاسوسی... مخالفت فعال راست غیر قابل انکار است. در همه این زمینه ها چپ در مجموع قادر نشد قاطعانه تر به بسیج عمومی بپردازد.

دگرگونی عمیق در آرایش نیروهای سیاسی ایتالیا

ادامه از صفحه ۱۲

شیخ بود که سیاستمداران فاسد احزاب سنتی، دهها سال قدرت را بسمتایه ما بملک شخصی خود در دست نگه داشتند. اکنون مسئله مهم اینست که آیا احزاب چپ ایتالیا قادرند با ادامه اتحاد خود، ابتکار عمل را در این کشور در دست بگیرند و با ارائه سیاستی متمایز از آنچه که در پنجاه سال اخیر برای ایتالیا گذشته است، رشد نیروهای راست افراطی را مهار کرده و خود را شایسته اعتمادی نشان دهند که مردم به آنها ابراز داشته اند.

ملت و ملت گرایی، افسانه یا واقعیت؟

ادامه از صفحه ۹

زبانهای مکتوب، گسترش مدارس و دانشگاهها در قالب مدرنیزاسیون اداری، فنی و اقتصادی از سویی، و گسترش حقوق مدنی و نیز ایجاد همگونی و وحدت زبانی میان اهالی از سوی دیگر بدان منجر شد که ایدئولوژیهای ناسیونالیستی در بخشهایی از اقشار متوسط به موازات یک یگانگی ملی در میان اهالی پدید آید. با وجودی که این دو پدیده به موازات هم شکل گرفتند، اما مدتی طولانی مستقل از یکدیگر وجود داشتند.

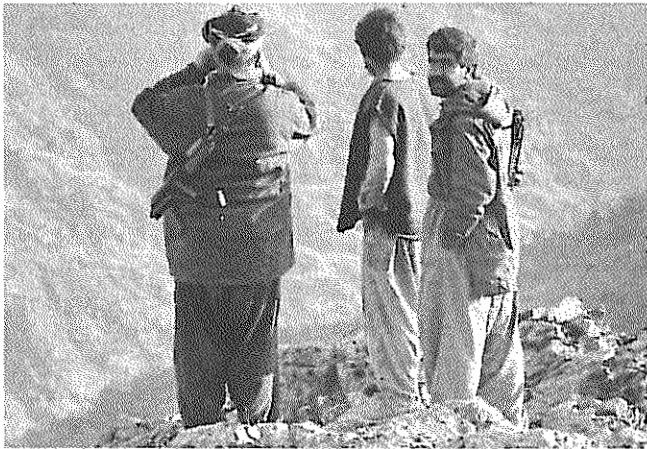
پانویسها:

۱- کرونل کیست که از تبار اروپایی برخوردار بوده اما در مستعمره پدید آمده باشد.

۲- در هیچ یک از این جنبهها در قرن هجدهم اندیشه ملی نشانی باقی نماند. حتی احساسات ملتی جمعی قشر کر تولها، که شاید بتوان آنرا یک ملت سیاسی به حساب آورد، نمی تواند بعنوان حس یگانگی ملی مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین ارزیابی اندرون از این جنبهها بعنوان جنبه های استقلال طلبانه ملی مورد تأیید من نیست. هر چند که بای دولتهای مستقل مرز و بوم، که علا به دولتهای ملی بدل شدند، از همان آغاز هدف این جنبش ها بوده است.

آپک: وزنه‌ای جدید در معادلات جهانی؟

قرارداد امنیتی ترکیه و سوریه



پیشمرگان پ. کا. راه‌های عبور و مرور در استان خود را مراقبت می‌کنند.

ترکیه و سوریه با امضای یک قرار داد امنیتی، توافق کردند که علیه حزب کارگران کردستان (پ. کا) اقدام کنند. رئیس سازمان امنیت ترکیه پس از ملاقات با مقامات سوری اظهار داشت با آنها در مورد موضوعی مشترک علیه تروریسم به توافق رسیده است. رئیس دایره امنیت وزارت کشور سوریه نیز گفت این کشور می‌خواهد به حفظ یکپارچگی ارضی و ثبات در ترکیه کمک کند.

ترکیه و سوریه با امضای یک قرار داد امنیتی، توافق کردند که علیه حزب کارگران کردستان (پ. کا) اقدام کنند. رئیس سازمان امنیت ترکیه پس از ملاقات با مقامات سوری اظهار داشت با آنها در مورد موضوعی مشترک علیه تروریسم به توافق رسیده است. رئیس دایره امنیت وزارت کشور سوریه نیز گفت این کشور می‌خواهد به حفظ یکپارچگی ارضی و ثبات در ترکیه کمک کند.

تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه پس از انتخاب مجددش به رهبری حزب حاکم راه راست اعلام کرد دولت ترکیه به مشی سرسختانه خود علیه پ. کا. ادامه خواهد داد. دولت آلمان دو هفته پیش به تقاضای مکرر ترکیه برای ممنوع کردن فعالیت پ. کا. در آلمان پاسخ مثبت داد و پ. کا. را ممنوع اعلام کرد. اکنون ترکیه فعالیت‌های خود را برای ممنوع کردن پ. کا. در کشورهای اروپایی، بر فرانسه متمرکز کرده است که پس از آلمان، بیشترین تعداد کردهای مهاجر در اروپا را دارد. همزمان با این کوشش‌های دیپلماتیک ترکیه، برای انکار اقلیت تنگ کردن عرصه بر پ. کا. در کشورهای همسایه اولویت دارد. گفته می‌شود پ. کا. و بازی مسلح آن، آرتش آزاد بیخش خلق کردستان، پانزده هزار نفر چریک دارند که حدود نیمی از آنها در ارمنستان، ایران، عراق و سوریه اند. تلاش‌های ترکیه برای واداشتن همسایگان به جلوگیری از فعالیت پ. کا.، تاکنون به علت اختلاف آنکارا با کشورهای منطقه، چندان موفق نبوده است. مقامات ترکیه می‌گویند چریک‌های پ. کا. در ماه‌های اخیر بخصوص در ارمنستان متمرکز شده‌اند. به گفته این مقامات، تعداد قابل توجهی از روستاهای مرزی ارمنستان به پایگاه‌های پ. کا. تبدیل شده است. از آنجا که روابط ترکیه و ارمنستان هم به لحاظ تاریخی و هم به علت پشتیبانی ترکیه از آذربایجان در بحران قره باغ، تیره است، انتظار نمی‌رود که ارمنستان در آینده قابل پیش بینی اقدامی علیه پ. کا. انجام دهد.

اگر چه چندی پیش تهران و آنکارا قراردادی امضا کردند که بموجب آن جمهوری اسلامی متعهد به جلوگیری از استفاده پ. کا. از خاک ایران برای حمله به ترکیه شده است. برخی ناظران نسبت به توانایی جمهوری اسلامی برای کنترل مرز ۴۵۰ کیلومتری ایران

چهار سال پس از تیره شدن روابط دو جانبه بدنبال سرکوب جنبش دانشجویی در پکن، مناسبات دو کشور را وارد دوره‌ای جدید کنند. ملاقات کلینتون و زیانگ زمین، نخستین دیدار روسای جمهور آمریکا و چین از نزدیک به پنج سال پیش بدین سو بود. زیانگ زمین در پایان اجلاس سیاتل به خبرنگاران گفت مناسبات کشورش با ایالات متحده بر اساس "گفتگوی برابر حقوق" استوار خواهد بود. کلینتون خاطر نشان کرد کشوری به بزرگی چین را نباید متزوی کرد.

در سیاتل بار دیگر اختلافات واشنگتن و توکیو آشکار شد. قبل از این اجلاس، کاخ سفید نظریه تغییر تناسب تجاری میان دو کشور به ضرر ایالات متحده در ماه‌های اخیر، خواهان آن شده بود که ژاپن به ویژه از طریق کاهش مالیات بردآمد، تقاضای داخلی خود را افزایش دهد. دولت آمریکا همچنین ژاپن را فراخوانده بود که بازار خود را برای اتومبیل‌ها، محصولات مخابراتی و کامپیوترهای خارجی بیشتر بگشاید و به شرکت‌های خارجی در مناقصه‌های دولتی فرصت‌های بیشتری بدهد. از خواستهای دیگر آمریکا، سهمیه بندی مناسبات دو جانبه تجاری با ژاپن است. میگو

کلینتون در مصاحبه‌ای مطبوعاتی که پس از اختتام اجلاس سیاتل برگزار شد، اظهار داشت: "ما متفق القولیم که منطقه آسیا و اقیانوس آرام باید منطقه‌ای متحد و نه چند پاره باشد." پانزده کشور شرکت کننده در اجلاس سیاتل، بیانیه خود را به موضوعات صرفاً اقتصادی محدود کردند. این بیانیه، حاوی تعهدات معینی برای کشورهای عضو نیست. زیانگ زمین رئیس جمهوری چین گفت سازمان آپک، "باز، انعطاف پذیر و غیر منسجم" خواهد بود. وی افزود اجلاس سیاتل، "تأثیری مثبت بر روند آینده خواهد داشت. کلینتون از یک روند "فوق العاده مثبت" سخن گفت.

روز ۲۸ آبان، سران آپک تصمیم به کاهش و هماهنگ کردن تعرفه‌های گمرکی خود گرفتند. ناظران اقتصادی، این تصمیم را پیامی به اتحادیه اروپا برای برچیدن موانع تجارت بین المللی قلمداد کردند. روز ۲۹ آبان، سران آپک خواهان به سرانجام رسیدن به موقع مذاکرات "گات" (معاهده جهانی گمرک و تجارت) در تاریخ ۲۴ آذر شدند.

در حاشیه کنفرانس سیاتل، آمریکا و چین قرار گذاشتند بیش از

نخستین اجلاس "کنفرانس آسیا و اقیانوس آرام برای همکاری اقتصادی" (آپک) در شهر سیاتل واقع در شمال غربی ایالات متحده تشکیل شد. اعضای آپک عبارتند از استرالیا، برونئی، چین، هنگ کنگ، اندونزی، ژاپن، کانادا، کره جنوبی، مالزی، زلاندن، فیلیپین، سنگاپور، تایوان، تایلند و ایالات متحده به اضافه مکزیک و پاپوا-گینه نو که هر دو در اجلاس سیاتل به عضویت آپک درآمدند. قرار است در سال آینده مسیحی، شیلی بعنوان هجدهمین عضو، به آپک بپیوندد. در سیاتل قرار شد نظریه رشد سریع آپک طی سالهای اخیر، تا سه سال عضو جدیدی پذیرفته نشود. مطبوعات غربی، تشکیل آپک را ایجاد وزنه‌ای در مقابل اتحادیه اروپا ارزیابی کردند. سران چهارده کشور عضو آپک که به دعوت بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در سیاتل گرد آمده بودند، روز ۲۹ آبان بیانیه‌ای درباره اهداف خود صادر کردند که در آن، آپک خواهان تجارت آزاد جهانی شده و خود را "صدایی جدید در سیاست جهانی" نامیده است. قرار است در سال آینده میلادی در اندونزی اجلاس بعدی آپک تشکیل شود.



از راست به چپ: زمامداران هنگ کنگ، ژاپن، تایوان، آمریکا، فلیپین، سنگاپور، اندونزی و زلاندن در سیاتل

دگرگونی عمیق در آرایش نیروهای سیاسی ایتالیا

پارلمان در اکثریت هستند نیز به سادگی قدرت را از کف نخواهند داد. اعترافات جنجالی رهبران دستگیر شده مافیا که برای نخستین بار، پای سیاستمداران اصلی احزاب سنتی را به تحقیقات قضایی کشاند، برده از درهم آمیزی رهبران احزاب و جنایتکاران حرفه‌ای برداشت و پوسیدگی نظام سیاسی ایتالیا را عیان کرد. مردم ایتالیا با آرای خود، آخرین ضربه را به این نظام سیاسی وارد کرده‌اند. افزایش آرای نئوفاشیست‌ها را باید ناشی از روی آوردن پایگاه اجتماعی

ایتالیا قد علم کنند. اما از طرف دیگر اگر چه در شهرهای مهم قادر نشود شهردارها را تسخیر کند، در رم و ناپل فاشیست‌ها و در جنوب و نیز راستها به قدرت خواهند رسید که خود مایه نگرانی و هراس همه نیروهای دمکرات است. این نگرانی از جمله زمانی شدت یافت که برخی از کلان سرمایه داران ایتالیا که تا دیروز از احزاب حاکم بی‌توجهی حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیالیست به عنوان نمایندگان سیاسی خود پشتیبانی میکردند، امروز در فقدان نیروی این احزاب به حزب فاشیست روی آورده‌اند. از طرف دیگر احزاب حاکم شکست خورده که هنوز در

لیگادر شمال به عنوان نیروی راست توانستند بر موج نارضایتی عمومی سوار شده و آراء قابل توجهی را کسب کنند. در شهر پالمو که تا به حال حزب دمکرات مسیحی حاکم مطلق بود، کاندیدای چپ موفق شد بیش از ۷۰ درصد آرا را کسب کند. در شهرهای رم، جنوا و ناپل نیز کاندیداهای نیروی ترقی خواه و چپ قادر شدند ۵۰ درصد آراء لازم را کسب کرده و به مرحله دوم انتخابات راه یافتند. در شهر ناپل کاندیدای چپ و نوه موسولینی به دوره دوم رسیدند. در شهر رم رهبر حزب فاشیست در تقابل با نماینده اتحاد چپ و ترقی خواه به مرحله دوم راه یافت.

۲۱ نوامبر در ۴۲۸ شهر کوچک و بزرگ ایتالیا (بیش از ۱۰ میلیون حق رای) انتخابات شهردار و شورای شهرداری چهره ایتالیا را تغییر داد. این انتخابات نشان داد ایتالیا آستان تحولات شگرفی است. از سویی نیروهای راست به نحو چشم گیری آراء را به خود جلب کرده‌اند و از طرف دیگر نیروهای چپ ترقی خواه قادر شدند در مجموع به تنها نیروی جدی و سراسری تبدیل شده، خود را برای انتخابات سیاسی سال آتی مسیحی‌یازمایند. احزاب حاکم که در طول دهه‌های پس از سقوط فاشیسم حاکم مطلق و عاملان فساد و بحران فعلی هستند از ۲۱ نوامبر به بعد دیگر حتی در مجموع ۲۰ درصد آراء عموم را نیز با خود ندارند. حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیالیست شکست غیر قابل جبرانی خوردند. جنبش اجتماعی ایتالیا راست ملی MSI-DN (حزب فاشیست) و

مصاحبه صدر حزب احیاء کمونیستی ایتالیا در باره انتخابات اخیر در این کشور در صفحه ۱۱